



طبع و وحدت

ارگان نشریات ترجمانی و فرهنگی اسلام از افغانستان - کویته

شماره ۴۷ - سال چهارم جدی ۱۳۷۳ هـ ش ۱۴۱۵ هـ ق ۱۹۹۵ میلادی

استقامت و پایداری در رزم

(درسی از امام حسین ع)



۱۴ صفحه

متن بیانات استاد مزاری باراد یو پیام آزادی

حجت الاسلام والمسلمین استاد عبدالعلی مزاری، گفت حکومت آقای ربانی اکنون هیچ قانونیت ندارد، زیرا در توافق احزاب در حلال آباد و اسلام آباد که مصدر قانونی برای کار آقای ربانی بود ششماه تعیین شده بود که قبلاً "تمام شده است".
بعدا "از طرف ستره محکمه و جلسه ای که در هرات ترتیب داده شد با وجود غیر قانونی بودن آن میعاد حکومت ربانی را - تمديد کردند.

ولی فرمانی که ستره محکمه صادر کرده و سه ماه دیگر مدت ریاست ربانی را تمديد کرده بود این هم تمام شده است جلسه هرات هم يک نشست یکطرفه بود اکثریت قاطع احزاب در آنجا شرکت نداشتند و رهبران انرا رد هم کردند.
دیگر این مسئله که کسی بگوید آقای ربانی استعفا میکند یا نمیکند این اصطلاح مؤرد ندارد، آقای ربانی از نگاه قانونی و حقوقی دیگر ریس جمهور نیست که حالا استعفا بکند وضعیت افغانستان طوری است که هر کسی در هر منطقه ای که است حاکمیت نسبی ای دارد و آن را ادامه میدهد چون اینها هم در مناطق مرکزی شهر حاکمیت دارند.

حاکمیت خود را بنام دولت یاد میکنند موضع حزب وحدت عین موضع شورای هماهنگی است و طرفدار این مسئله است که يك دولت موقت باتوافق همه جوانب برای مدت کمی تشکیل شود، رهبران هم در این حکومت اشتراك نکنند، دولت موقت نعهد میسپارد که زمینه برگذاری انتخابات و تدوین قانون اساسی را فراهم بکنند و در انتخابات اعضای این حکومت کاندید نباشند که تا از امکانات دولتی و اموال عمومی و بیت المال سوء استفاده نشود.

در طول حکومت آقای ربانی وضعیت جنگهای متعددی در مناطق ما برآه ابداع شده، و حزب وحدت از خود دفاع کرد، شورای - نظار جمعیت اهدافی که داشتند به آن نائل نشدند بعد خواستند که در داخل حزب وحدت نفاق ایجاد بکنند تا از این راه بتوانند حزب وحدت را ضربه بزنند، شما در جریان قضاای افغانستان بودید و دوستید. صفحه ۲

فرازهائی از جایگاه زن در قرآن

۸ صفحه

افغانستان ناشناخته

افغانستان از درانی تا ربانی

۶ صفحه

نامه رسیده

۱۱ صفحه

بنیاد اندیشه

شعر معاصر افغانستان

۱۶ صفحه

سراج التواریخ جلد ۱ و ۲

۱۳ صفحه

ورزش و جوانان

۱۶ صفحه

سرمقاله



روسیه

وتجربه شکست خورده

شش جدی سال ۱۳۷۳ - مصادف است با شانزدهمین سالگرد خوبین اشغال نظامی کشور اسلامی افغانستان توسط چکمه پوشان ارتش سرخ شوروی سابق، در چنین روزی شانزده سال قبل بدستور دیکتاتور مسکواقای پرژنوف افغانستان اشغال شد که پایان آن شکست مفتضحانه و فروپاشی اردوگاه کمونیسم و آزادی کشورهای دربند اسلامی و غیر اسلامی را در پی داشت.

متنا سفاکه در هفته سالگرد اشغال نظامی افغانستان که خاطره آن برای تمام ملت مسلمان افغانستان و انسان های آزاده جهان دردناک و تلخ و حزن اوراست، کشور خود مختار و مسلمان نشین چین مورد هجوم و یورش وحشیانه چکمه پوشان روس واقع شد بدستور رئیس جمهور روسیه آقای یلتسین دیکتاتور معاصر روسی ارتش خون آشام تابسه دندان مسلح روسیه از زمین و هوا با اسلحه مدرن و سنگین به چین حمله کردند و برای اشغال انکشوریسوی گروژنی پایتخت چین به پیش ناختمند. صفحه ۲

آنچه درین شماره میخوانید

- ۱- روسیه و تجربه شکست خورده
- ۲- متن بیانات استاد مزاری
- ۳- افغانستان از درانی تا ربانی
- ۴- فرازهائی از جایگاه زن در
- ۵- نامه رسیده
- ۶- سراج التواریخ
- ۷- استقامت و پایداری در رزم
- ۸- افغانستان ناشناخته
- ۹- شعر معاصر افغانستان
- ۱۰- ورزش و جوانان

روسیه و تجربه شکست خورده

ضرب المثلی که در لغات مختلف معروف است در عربی گویند: من جرّب المجرب حلت به الندامة یعنی تجربه را تجربه کردن پشیمانی و ندامت ثمر است. در فارسی گویند آزموده را آزمودن خطا است. چون نتیجه همان است که بوده است، در این حمله نامردانه هم قطعاً "روسیه بازنده است و شکست خواهد خورد".

انگیزه تجاوزه:

د افغانستان انگیزه تجاوزه واشغال روشن بود مسکو بخیال رسیدن به آب های گرم و ازاد بحر هند و خلیج فارس و دست یابی به منطقه زر خیز نفتی خاور میانه و ممالک عربی و بویژه سلطه یافتن به کشور استراتژیکی و سوق الجیشی افغانستان که پترکبیر سلطه بر آن را سلطه بر جهان خوانده بود و دست یافتن بر منابع بسیار غنی و پرمفعت و دست ناخورده زیر زمینی افغانستان دست به این اقدام خطرناک زد و توانست سال ها از معدن مس عینک لوگر و معدن طلا زرکشان مقرر و کان لاجورد بدخشان و گاز ممتاز و پرمفعت و مفت و رایگان شبرغان استفاده نماید و وسایل قیمتی اشیاء عتیقه و نفیس موزه های افغانستان را تاراج کرد و به بیغما برد.

در اشغال افغانستان روسیه و شوروی سابق خسارات بی شمار بر مردم مسلمان وارد ساخت و جنایات هولناک را مرتکب شد و ضایعات جبران ناپذیر را به بار آورد سراسر افغانستان که در برابر ارتش سرخ سنگربندی شده بود تخریب و ویران گردید، منابع زراعتی و کشاورزی، مالدار و دام پروری و بالاخره مراکز اقتصادی آنکشور کلاً از بین رفت شهرها و وروستاها جاده ها و راهها کلاً خراب و به خاک یکسان شد. میلیون ها نفر از مردم دار و ندار شان در باد فنا رفته مهاجر و آواره - کشورهای همسایه و جهان شدند که هم اکنون در حدود پنج میلیون مهاجر افغانی در خارج آنکشور آواره و در بدر هستند، بیشتر از یک میلیون شهید و قربانی را ملت مسلمان برای آزادی کشور ایشان دادند و صدها هزار نفر معلول و مجروح و مصدوم با ر دوش و...

بالاخره روسیه شکست خورد به اهداف و آرمان خود نرسید به آب های گرم دریای آزاد و چاهای نفتی طلای سیای اعراب دست نیافت بلکه دورتر شد با سرافکنگی و رسوائی جهانی

و خفت و خواری افغانستان را ترک کرد نه تنها شکست نظامی خورد که بزرگترین شکست سیاسی بر شوروی وارد شد دیوار آهنین بر لبه شکست اردوگاه کمونیسم و قطب بلوک شرق از هم پاشید کشورهای دربند اسلامی و غیر اسلامی آزاد شد و...

هنوز زخم های خونین جنگ افغانستان التیام نه پذیرفته و هنوز روسیه از آلام و دردهای کشنده و شکننده درگیریهای داخلی نجس و نفس راحت نکشیده.

آقای یلتسین به ارتش روسیه دستور حمله نظامی به کشور مسلمان نشین و خودمختار چین میدهد، حال انگیزه این حرکت وحشت ناک چه است؟ آنچه در افغانستان بود اینجا به چشم نمی خورد آیا هدف رئیس جمهوری و طرح کرملین سرگرم ساختن جنرال های ارتش روسیه در چین است جنرال های عقده و ارتش شکست خورده و سرشکسته که چندین سال است و بویژه در تحولات بعدی روسیه هیچ نقش اساسی را ایفاء نکرده است و شدیداً احساس سرخورده گی میکنند که همیشه حتی بصورت آشکار از سیاست های انفعالی مسکو در برابر غرب انتقاد مینمایند، یا بالعکس طرحی است که جنرال های ارتش روسیه بدنامی رئیس جمهوری را فراهم می سازند تا بوسیله اشغال نظامی چین، یلتسین را بی اعتبار ساخته و ضربه کاری به وی بزنند و با او تسویه حساب نمایند حال غرض هرچه باشد ماهیت هجوم روشن است تجاوزه صریح و آشکار غیر قابل توجیه و انکار است. این رسوائی و بدنامی است که دوو آن در چشم همه سردمداران مسکو و کرملین خواهد رفت هم گریبان یلتسین و هم جنرال های ارتش روسیه و هم مخالفین سرسخت یلتسین را در مجلس شورای روسیه خواهد گرفت.

جنرال " جوهر دودایف " رئیس جمهور چین در برابر صدور فرمان حمله نظامی یلتسین گفت چین همانند افغانستان مقاومت خواهد کرد و در مقابل تهاجم ارتش روسیه از جهان اسلام استمداد کرد وی تصریح کرد که جنگ با اشغالگران روسی يك دفاع مقدس است معنی صریح این عبارت آنست که مسکو در ماجرای چین مستقیماً با يك ملت متکی به ایمان و عقیده مواجه است.

حال دونهنگه قابل یاد آوری و شایان توجه است يك عدم توجه جهان اسلام که در برابر این تجاوز ارتش خون اشام روسیه بر مسلمانان چین، حرکت جهان اسلام حرکت روزنه حق در سطح تبلیغات و اعتراضیه انطور که شاید بایست و وظیفه اسلامی است از خود نشان نداده اند.

دوم جهان غرب که کلاً بی تفاوت است بلکه سکوت رضایت آمیز را بر لب زده است مثل اینکه از ضربات زانوی پر جهان اسلام در هر کجا که باشد استقبال مینماید.

واژه هم عجیب تر سکوت مرگبار سازمان های بین المللی و جهانی حقوق بشر است که با چشم گور و گوش گر و زبان بسته به قضیه برخورد میکنند و صدای پرغوغای نقض حقوق بشر خفه شده است هزاران خانه ویران و صدها هزار انسان در بدر و بی خانمان می شود قتل و کشتار ارتش روسیه در گروزی قیامت برپا کرده است حامیان حقوق بشر مثل اینکه مرده اند دم نمی زنند و صدا در نمی آورند.

تاریخ ننگین کرملین نشان میدهد که دستورات قتل و کشتار تجاوزه و جنایات بی شمار از این کاخ پر زرق و برق صادر شده ولی تجربه نشان میدهد که در سالهای اخیر زو زو و گریبان صادر کنندگان فرمان را میگیرد و به جانب فنا سوق میدهد باید دید انجام معامله یلتسین چه خواهد بود. نهم ۱۳۶۳/۱۰/۱۳

بقیه از: نامه رسیده

از آن ملت هزاره نیست و با فریاد خویش بماند اموزانید که پیروان حسین (ع) در پیشگاه ظالم ستمگر سر تعظیم فرود نخواهد آورد و بالاخره بمانشان دادید که معنی و مفهوم زندگی فقط و فقط در بدست آوردن حق معنی پیدای کند و برای احیای آن باید عاشقانه مبارزه نمود و جنگید که به ارمان خویش دست یافت و لذا است که به وجود شما افتخار می کنیم و به این افتخار عشق می ورزیم و بالاخره تا آخرین مرحله حیات در کنار شما خواهیم ماند.

دوستان گرامی و سروران عزیز ۱ مقاومت و دلیری شما در کابل و سایر نقاط افغانستان به دشمنان درس داد که حکومت تک حزبی و قومی و قبیلوی دیگر در افغانستان ممکن نیست و امروز روزیست که باید تمام اقشار ملت افغانستان ولو از هر نژادیکه باشند به حق خویش دست یابند و این شعار، شعاریست که همه ازادی خواهان از شما موخته اند، شعاریکه از عدالت، صداقت و روشنی سرچشمه گرفته و بر هیچ کسی پوشیده نمانده است که خواسته های برحق شما را نداند و درنگ نکنند و بالاخره هیچ انسان ازاد نیز نمی تواند آن را انکار کند.

برادران گرامی ۱ این موضوع راکه ملت غیور و وفادار هزاره که در واقع شجاع ترین قوم در جهان می باشد با شماست و برای شما میسوزد و به پشتیبانی شما ایستاده اند و تا آخرین مرحله حیات شما را تنها خواهند گذاشت رادرك کرده اند و لذا است که شما مطمئن می دهیم که بیاری خدای بزرگ کامیاب و سرغراز خواهید بود و خواهد ماند زیرا که پشتیبانی ملت از شما مسئولین نعمت نیست که خدای بزرگ برای راد مردان صالح چون شما عنایت کرده است، هر رهبر و مسئول اگر از پشتیبانی قاطع قوم و ملت خویش برخوردار باشد، بیاری خدا، پیروزی او تضمین شده است انشالله.

برادران گرامی و مسئولین محترم و بانیروی ایمان و عشق به ملت و یادآوری مظلومیت های طولانی ملت هزاره از جمله مسائل نیست که میتوانید شمارا مانند قله های بزرگ و عظیم، پابرجا نگهدارد.

کلام آخر: شما این موضوع را در اندیشه و افکار خویش همیشه داشته باشید که در سایه دیگران چرا؟ ایانانیکه در سایه حمایت دیگران خزیده و مقام و ریاست را بر ملت ترجیح داده اند عمل خود را چگونه توجیه می کنند؟ مگر نه اینست که سنگ ابدی و نفرت عموم را بجان خریده و در گورستان ذلت و ذبونی برای همیشه دفن گردیده اند، آیا جوابی برای گفتن دارند؟ بهر حال امیدوارم که رهبران گرامی و سروران عزیز ما با سرنوشت ملت خویش بیدیشند و برای همیشه استقلال فکری و اندیش خویش را حفظ نمایند تا باشد که انشالله روزی دیگران باید در سایه رهبری رهبران ما گام بردارند که در انتظار چنین روزی هستیم و از خدا خواهیم که تمام مسئولین و دست اندرکاران در حزب وحدت اسلامی را کامیاب و سربلند گرداند.

متن بیانات استاد مزاری

ومیدانید که در افغانستان تضاد های مختلف وجود دارد مخصوصاً " برای تعدادی از ملیت های ساکن در افغانستان به این باور بودند که در حدود دو صد و پنجاه یا سه صد سال قبل که افغانستان بنام فعلی اش اسم گذاری شده یک قشر خاص از ملیت پشتون در افغانستان حاکم بوده و طبیعی بوده که حکومت های قانونی و اسلامی در افغانستان حاکم نبوده است ، چنین برداشت بیشتر بر برداشت برخی افراد بقیه ملیت ها بوده که گویا ملیت پشتون حاکم است .

ملیت های دیگر احساس میکردند که این ملیت ، ملیت حاکم است ظلم هاییکه در گذشته علیه ملیت های دیگر صورت میگرفت همواره بدوش ملیت پشتون میگذاشتند در حالیکه مامی بینیم در دو سال هفت ماه که حاکمیت در دست آقای ربانی افتید عملاً " خصلت های حاکمیت مطلق ، حق تلفی ، ظلم ، استبداد و دیکتاتوری را در مورد خود به اثبات رسانیده است .

در دو سال و هفت ماه که ملیت تاجک حاکم بود مظلومی را روا داشته است که خیلی درد آور است وهم اکنون نیز جریان دارد همین طور که حال مامی بینیم که خصلت آقای مسعود و آقای ربانی اجرای این کار را ایجاب میکند ، در گذشته هائیز حاکمانی که از ملیت پشتون بودند ، آن خصلت خود شان و حکومت شان بوده که استبداد میکرد ، ظلم و حق تلفی میکردند ولی مردم این مظلوم را به عملکرد یک ملیت می خواند ، روی این مسئله طبعاً " تضادهایی در جامعه موجود بوده است کسیکه میخواهد حکومت بکنند ازین تضاد ها استفاده میکنند ، لہذا در دو سال و هفت ماه آقای مسعود و افراد شورای نظار و جمعیت تضاد های ملی را بیشتر دامن میزدند ، پیش تاجک ها ، پیش ازبک ها و هزاره میبروند و میگویند که ماوشما یکی هستیم حقوق ماضی شده باید از هم دیگر حمایت بکنیم . این حرف ها را برای ادامه حاکمیت شان عنوان میکنند ، حتی بر ملیت تاجک هم بالاترین ظلم را مرتکب شدند .

ملت تاجک را با همه ملیت های ساکن در کشور دشمن ساختند ، این بالاترین ضربه برای مردم تاجک است .

شما شاهد بودید که بچه ها و اطفال خورد سال را بخاطر اینکه ملیت هزاره و شیعه را متهم نمایند که گویا آنها میوه و غذای روز مره مردم را مسموم میکنند استفاده کردند ، اینگونه کار هادر واقع یک دشمنی و یک اقدام برخلاف یک ملیت است ، در صورتیکه در هیچ قانون دنیا اطفال صغیر گناه ندارند ، علاوه بر آن دوازده جنگر اعلیه ما تحمیل کردند و بساخانه و کاشانه مردم ما را خراب نمودند ، هفت صد نفر تنهاد را قشار مفقود الاثر است یک توطئه ای که چهار تا قوماندان را میخرند و چنین خیانت مرتکب می شوند از کینه تسوزی شورای نظار و جمعیت یا حزب وحدت و مردم اهل تشیع نشأت کرده که یک واقعیت آشکار است در مورد قضیه انتخابات در داخل حزب وحدت مسعود گفته بود که ما مصارف چهار مرتبه جنگ را مصرف کرده ایم تا تغییراتی به وجود بیاید از طرف دشمن یک چیز واضح است که در صحنه

جنگ و در صحنه سیاسی نتوانسته مقابله بکنند طبیعی است که دست به توطئه داخلی میزند . این مسئله یک چیزی طبیعی است که دشمن برای بقایش تلاش میکند و کسانی که ضعیف النفس اند تحلیل ندارند و آینده نگر نیستند .

یا اوضاع فعلی را نمیتوانند تحلیل بکنند طبعاً " تحت تاثیر چنین تبلیغات قرار میگیرند این یک طرف قضیه است .

طرف دیگر قضیه اینست که روسها در مدت حاکمیت ربانی بالاترین کمک را به وی کردند من جمله چاپ کردن پول ، مادر یک مصاحبه دیگر هم گفته بودیم که اگر نجیب قانع میشد — که روسها برایش پول چاپ بکند و دیگر امکانات و کمک برایش ندهند ، تا آخر عمر نجیب ، روسها این پول را برایش چاپ میکردند و او نمیتوانست به حاکمیت اش بهتر از حاکمیت ربانی ادامه میداد .

ولی نجیب با قبول این مسئله حاضر نشد ولی ربانی با این پول بی پشتوانه اکتفا کرد و دو سال و هفت ماه است به کارش ادامه داده است .

وقتی که روسها برای دیدن سفارت شان آمدند ما به آنها گفتیم که شما در اشغال نظامی افغانستان شکست خوردید ولی بدتر از اشغال نظامی به اشغال اقتصادی در افغانستان ادامه میدید و انتظار ماین بود که بعد از متلاشی شدن اتحاد جماهیر شوروی روسها با مردم ما جفا و ظلم نکنند ، آنها واضحا " برای ما گفتند این پول وقتی وارد افغانستان میشود ارزش پولی پیدا میکند در داخل روسیه ارزش کاغذ را دارد .

این مسئله به دولت روسیه ارتباط زیاد ندارد اینها بایک شرکت روسی قرارداد کرده اند ، روسها گفتند شما اعتراض بکنید شورای عالی هماهنگی به وزارت مالیه افغانستان اعتراض کند ما چاپ آنرا قطع میکنیم ، این یک کاغذ سفید است که در روسیه رنگ آمیزی و چاپ می شود ، نه پشتوانه پولی دارد و نه اعتبار بین المللی ، مردم هم ازین ناحیه در مضیقه فرار گرفته و چند برابر تیراژ چاپ آن را بالا برده اند و به همان اندازه برای مردم مشکلات خلق کرده اند و این یک چیزی است که هیچ وقت کمبود نمی کند ، برای آدم های ضعیف النفس برای اجرای توطئه برای خریداری افراد وسیله ای آماده در اختیار شان است با پول بی پشتوانه بی که دارند .

توانستند این نفاق را در داخل حزب وحدت ایجاد کنند ، آنها طرفدار خود تاجیکها هم نیستند ، اینها برای تاجیکها نیز دشمن هستند . ما هم طرفدار پشتون نیستیم بلکه ما طرفدار برادری میان همه ملیت های افغانستان هستیم ما برای ملیت های افغانستان حقوق مساوی قائل هستیم طبق شعاع وجودی شان سهم داشته باشند حق خواهی برای یک ملیت به معنای برادری است مثلاً " چهار برادری که از یک پدر و مادر در یک خانه زندگی میکنند وقتی از هم دیگر حقوق خویش را میخواهند به معنای دشمنی نیست اگر کسی ملیت های ساکن در افغانستان را با هم دشمن بسازد خیانت به افغانستان و ملیت های آن است ما دشمنی در داخل افغانستان بین ملیت ها را فاجعه می خوانیم بخاطر ایجاد وحدت میان ملیت های افغانستان تلاش کرده ایم ، طوری — تبلیغ شده بود که جنگ های که با سیاف روی داده جنگ پشتون و هزاره است ، پشتون در مناطقی

هزاره نشین و هزاره در مناطق پشتون نشین رفته نمیتوانست ، بانسخت هایی با آقای حکمتیار اینگونه تضاد هاما بین پشتون و هزاره رارفع کردیم . امروز هزاره در مناطق پشتون نشین و پشتون در مناطق هزاره نشین دشمنی و حتی ناراحتی نمی کند ، بلکه احساس برادری میکنند همچنان تضاد در بین پشتون و ازبک بقدری بود که نمیتوانستند در مناطق یکدیگر رفت و آمد کنند و با هم بنشینند با ابتکار و هماهنگی بی که حزب وحدت بوجود آورد الحمد لله در بین پشتون و ازبک دیگران تضاد نیست بلکه نسبت به همدیگر احساس برادری میکنند .

ما تاجیک را برادر خود میدانیم سعی میکنیم که دشمنی بین همه ملیت ها رفع شود تعدادی — بخاطر افزایش اینگونه تضاد ها تبلیغ کردند که میخواهند به تزویر حکومت کنند .

افرادی را وادار کردند تا دست به خیانت بزنند سلاح و پول آوردند تا علیه حزب وحدت و مردم غرب کابل توطئه بکنند اما ما این توطئه خنثی شد .

توطئه گران چون جای زیست وزند گانی درینجانداشتند ز دار بایان شان رفتند .

بخاطر حفظ یکپارچگی حزب وحدت از — وسایل لازم استفاده و راههای مفید در پیش گرفته شد و تلاش هایی هم صورت گرفت متناً سفانه آنها (اکبری و هواداران اش) اجیر شده بودند ، پول گرفته بودند و به اختیار خود نبودند .

مساعی و تلاشها سود نبخشید ، آنها میخواستند علیه حزب وحدت اقدام نظامی بکنند . حزب — وحدت را ضربه بزنند ، حزب وحدت مجبور شد که حلوشان را از راه نظامی بگیرد ، چون بعد از افشار که برای مردم ما پیش آمد بسیار سنگین و ناراحت کننده بود در آنوقت گزارش رسید که آقای اکبری با آقای ربانی از بامیان تماس گرفته و گفته بود که ما تاجیکها که هر دو ملیت های محروم اند هم فکر و همکار هستیم و موضع گیری ای که فلانی (مزاری) دارد موضع گیری حزب وحدت اسلامی نیست . آقای ربانی در یک جلسه که آقای محسنی و باقی افراد حرکت هم حاضر بودند این مسئله را گفت که آقای اکبری در حزب وحدت چه کاره است که به مانامه نوشته ما و اورا نامی شناسیم ، برایش گفتند که معاون هیئت رئیسه است ، آقای مسعود نزد آنها به بامیان نفر فرستاد و از اکبری خواست که به کابل بیاید ، وقتی ما خبر شدیم به شورای مرکزی خبر دادیم که آقای زمانی در نامه چنین ادعا کرده و طیاره هم برای انتقال ایشان از کابل به بامیان روان کردند ، آقای اکبری به کابل آمد و این مسئله را تکذیب کرد و گفت که موقف حزب وحدت همان موقفی است که شورای تصمیم گیری در کابل مگیرد ، آقای ربانی اکبری را در کابل مهمان کرد و به وی گفت که نامه شما آمده بود ، ما توسط نامه با شما شناسیدیم منتظر تان بودیم .

افرادی که در پهلوی آقای اکبری بودند بما گفتند که اکبری عنوانی ربانی نامه نوشته بود ما ازین مسئله چشم پوشیدیم بعداً " در همان وقت پنجم میلیون افغانی به آقای اکبری مخفیانه کمک کرد و وقتی که اورژانس آتش گرفت این پول در آنجا سوخت ، هیئت ماسوخته های پول را دیدیم یازهم ما اعتنا نکردیم گفتیم مشکلی نیست .

آقای ربانی پنجم میلیون افغانی بودجه مقدماتی برای احیاء و فعال ساختن بامیان وعده داده بود ، چون مسئله علنی بود و مسئول حزب



ما بودیم مصارف ولایت و ولسوالی‌های بامیان را ما گرفتیم ، آقای ربانی بعد هانزد برادران — حرکت خیلی‌ها اظهار پشیمانی میکرد که ما پول را برای آقای اکبری تخصیص داده بودیم اما بدست فلانی (آقای مزار) افتاد .

ربانی به آقای جاوید اطمینان داده بود که حرکت و بقول آنها مخالفین حزب وحدت تقویه شوند علاوه بر این مشکل مسئله تعیینات حزب وحدت که سال یکبار صورت می‌گیرد پیش آمد بر اساس اساسنامه حزب اگر بیست نفر از شورای مرکزی در مرکز حزب حاضر باشند میتوانند تعیینات بکنند . ولی آقای اکبری این مسئله را غیر طبیعی جلوه داد وقتیکه در بامیان بود پیام داد که در جلسه همه اعضای شورای مرکزی حضور داشته باشند . شورای عالی نظارت صلاح دید که اعضای

شورای مرکزی به کابل بیایند ، شورای نظار و جمعیت از طریق حرکت اسلامی مداخله کردند تا این مسئله را بزرگ جلوه دهد و بیشتر سرمایه گذاری کنند . آنها از خاد پول گرفتند ، گزارش‌های بدسببیت ماریسده بود که یکبار (۹۶۰) میلیون پول به آنها توزیع شده بود ، آقای فاضل در قرارداد (۹) ماده بی که با آقای مسعود امضا کرده بود گفته بود که در انتخابات هر قدر پول ضرورت شد تنها در اختیار ما بگذارید .

وبعد شورای عالی نظارت نگذاشت انتخابات در وقت وزمان دایر گردد تا خیر انتخابات باعث تشویش و ناراحتی مردم شد ، تظاهرات را براه انداختند ، خواستند که سرنوشت حزب تعیین شود ، تظاهرات به خشونت گراید که در این خشونت هم دقیقاً " آقای فاضل دست داشت .

زیر آمدت پانزده روزی که تظاهرات آرام جریان داشت مردم خواسته‌های خویش را می‌گفتند و برمی گشتند .

در اول میخواستند بخانه آقای بهشتی حمله کنند و او را بکشند که با درایت محافظین و اطرافیان بهشتی این مسئله خنثی شد ، سرخانه اکبری رفت در انجا هم این مسئله پیش آمد اینها کشته شدن مردمی که تظاهرات میکردند ، سلاح نداشتند صرف شعار میدادند ، اما محافظین آقای اکبری که مسلح بودند فیر کردند ، و زنها کشته شدند ، - ز دو خور در صورت گرفت و در نتیجه دو نفر از افراد آقای اکبری هم کشته شدند این يك مسئله حساب شده بود که آنها به راه انداخته بودند .

وقتیکه نظر همه به این شد که انتخابات باید دایر شود ، آقای ربانی به صفر محمد که از تخار است پنجمد میلیون افغانی داد و آن را در خانه داکتر مهدی گذاشت آقای کاظمی بعد از قبولی تعیینات آن را به اینطرف نقل داد و برای هر نفر

شورای مرکزی که به نفع آنها رای بدهد شمت لنگ افغانی و یک موتر کر و ناوعده کردند ، اما تعداد زیادی در شورای مرکزی وجود داشت که از درایت و بینش سیاسی کافی برخوردار بودند و توطئه دشمن را میدانستند ، زیرا بر توطئه نرفتند با وجود تلاش زیاد و مصارف هنگفت گرچه نتوانستند رای بدست آورند اما متوقف نشد .

مسعود با ترجمانش و فهم با پهلوان یحیی شرط زده بودند که در انتخابات داخل حزب وحدت ما برنده هستیم .

با وجود آنکه پول زیادی مصرف کرده بودند ولی شکست خوردند بعد از شکست هم آنها را تشویق کردند که سلاح بخرند نزدیک هفت صد میل سلاح تهیه کردند که پنجمد میل آن را در غرب کابل در خانه آقای کاظمی و دو صد میل دیگر را در چار قلعه جا بجا کردند ، در جنگی که بین حزب اسلامی و حرکت اسلامی در دار لامان روی داد — تعدادی از نظامیان طرفدار آقای اکبری در این جنگ شرکت کردند و قصد دار لامان از دست حزب اسلامی بدست حرکت افتاد و اعلان شد که نیروهای دولتی موفق شدند .

انها به این خیانت اکتفا نکردند ، تصمیم گرفتند با همکاری حرکت اسلامی اقدام نظامی نمایند ، پول گرفته بودند ، مه‌مات خریدده بودند ، با اتحاد سیاف و شورای نظار تفاهم نموده بودند که آنها نیز وارد جنگ شوند ، به سیاف و مسعود گفته بودند که شما سعی کنید قضیه افشار دوباره تکرار نشود .

مردم اسپروخانه های شان چور نشود تا ما در آینده بتوانیم در بین مردم زندگی بکنیم ما حاضر هستیم که نیروهای نظامی فلانی (آقای مزاری) سرکوب شوند در یک جلسه سید نورالله عماد هم این مسئله را گفته بود ، آقای فاضل هم در مشهد گفته بود که عنقریب تحولاتی پیش می آید ما این موضوع را تحت نظر داشتیم — گزارشات دقیق از جریانات داشتیم ولی زمان اجرای آن را کشف نکرده بودیم .

يك شب قبل از اجرای آن تعدادی از — قوماندانان دیسوز حرکت برای ما خبر دادند و گفتند که ما نفعه افراد حرکت را که درین توطئه دخیل است حاضریم دستگیر کنیم و در —

حزب وحدت و شورای مرکزی آن بخاطر حفظ وحدت و خودداری از جنگ داخلی به اقدام پیش گیرانه دست زد ، راههای سالم امتیازی در نظر گرفته شد ، وقتی آنها به اقدام نظامی دست زدند دیگر راهی نماند غیر از اینکه جلوا اقدام نظامی را به نظامی گرفت و مسئله را حل کرد .

ایران و پاکستان نسبت به دیگر کشورهای اسلامی مشکلات مردم افغانستان را در دوران — جهاد بیشتر متقبل شده اند ، برای آرامی و ایجاد صلح در افغانستان این دو کشور بیشتر از دیگران تلاش دارند در اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در اسلام آباد در مورد مسئله افغانستان فیصله شده بود که

دولت ایران و پاکستان جهت اعاده صلح در بین کشور تلاش نمایند ، بخاطر ایجاد صلح در کشور ما اقدام کنند ما از اصل اقدام آن قدر دانی نموده مورد قبول و پذیرش شورای عالی هماهنگی و حزب وحدت است .

در جنگ های گذشته که بین وحدت اسلامی و اتحاد روی داد آقای محسنی در خارج می بود و با درویر اکبرخان ، در غرب کابل جایبیکه افراد مربوط او یکجا با دیگران مورد انداخت سلاح اتحاد قرار میگرفت وجود نداشت " تبعاً " یکتعداد قوماندانان محسنی بخاطر دفاع از خود و اهالی بیدفاع غرب

کابل به دفاع میپرداختند لهذا درین قسمت حرف محسنی راست است که قوماندانان او خود سر عمل کردند ولی در جنگ هایکه بین حزب اسلامی و حرکت محسنی رخ داد باز هم محسنی همین حرف را تکرار کرد و این از نظر ما درست نیست بخاطر اینکه آقای انوری که مسئول نظامی حرکت است از جهاد آقای ربانی حمایت کرد و علییه نیروهای شورای عالی هماهنگی مستقیماً داخل جنگ شد ، آقای محسنی درین رابطه هیچ حرفی بربان نیارود که درست است یانه ، بعد از آنکه با حزب اسلامی داخل جنگ شد و دولت اعلان کرد که این منطقه را نیروهای دولت پاکستانی —

کرده اند آقای محسنی خصوصی گفته بود که من موافق نیستم ، زمانیکه در جلسه شورای مرکزی گروه خود شرکت کرد برایشان گفته بود که شما افتخار آفریدید ، باز هم در پیش برادران حزب اسلامی میگفت که قوماندانانش خود سرانه عمل نموده اند و ما آنرا قبول نداریم ، دزنشت خود با آقای ربانی درین زمینه گفته بوده چیزیکه شورای مرکزی ما موضع داشته باشد موضع من همان است ، اگر من خود را بیطرف می‌گیرم این هم به نفع توست یعنی ببینیم که درینجا موضع محسنی دوگانه است ، در جنگ های غرب کابل که قوماندانان از خود دفاع کردند آقای محسنی با این جنگ موافق نبود و و انرا جنگ بی مفهوم میخواند و وقتیکه قوماندانهای او به طرفداری از دولت ربانی علیه شورای هماهنگی (حزب اسلامی با جنبش ملی) جنگیدند آقای محسنی به این جنگ موافقت خود را اعلام کرد .

درین اوختر توطئه که از طرف شورای نظار توسط بعضی از عناصر حرکت که بطور شخصی از آقای جاوید و آقای انوری میتوانیم نام بگیریم — علیه حزب وحدت براه انداخته شد ، آقای محسنی از طریق امواج بی بی سی ازین مسئله تاشید کرد و — حتی اعلان جهاد هم داده ، پس معلوم می شود که اگر در غرب کابل علیه مردم مظلوم و بیدفاع جنگ باشد و قوماندانانش از مردم بیدفاع غرب کابل به دفاع میپردازند ، آقای محسنی با این امر موافق نیست و با توطئه هایکه ربانی و مسعود علیه مردم به راه می اندازند موافق است ، اگر این توطئه ها علیه حزب اسلامی باشد و با علیه حزب وحدت در هر صورت موضع محسنی یکسان است .

ما معتقد هستیم کسانی که از حزب وحدت اجیر بیگانه شدند ، آنها جای پای در بین مردم ندارد از نگاه تاریخی رشد سیاسی مردم ما اکنون بجائی رسیده است که دشمنان خود را درک میکنند و می شناسند ، توطئه بی که علیه حزب وحدت براه افتیده بود واقعاً " بسیار خطرناک بود و توطئه نقلی می شد ولی مجاهدین و سایر اعضای حزب وحدت بنا بر حمایت قاطعی که از حزب خود نمودند و می نمایند این توطئه را خنثی و نقش بر آب ساختند .

فعلاً " اگر هم کسانی در آنجا پهلوی ربانی و مسعود میروند در بین مردم ما جای پاندارند کسانی که از نگاه نیروی نظامی و مردمی توانایی نداشته باشند با حزب جور کردن ، نشریه منتشر کردن و نام گذاشتن نقشی در اجتماع بدست می آورند ، افرادی که از شورای نظار پول وامکانات — گرفته بودند در عوض برای آنها اطمینان داده بود که اکثریت قاطع در شورای مرکزی حزب وحدت مربوط ما است اما سرانجام دروغ شان ثابت شد باز هم دوباره توطئه ریختند و به شورای نظار وعده دادند که درین مرتبه میتوانیم حزب وحدت



رامتلاشی سازیم و از بین ببریم، مخفیانه در شورای هرات شرکت کردند ولی هیچوقت در شورای مرکزی و یادربین مردم اظهار کرده نتوانستند، نزد ربابی نماینده فرستادند و ربابی هم کدام احترامی به نماینده های آنها قایل نشد ولی در تبلیغات از ایشان استفاده کرد، بعد از خنثی شدن این توطئه بازایشان گفتند که ما جنک داخلی را برای ما می اندازیم در میان میدان نیرو داریم و میتوانیم جنک را در این مناطق آغاز کنیم.

بار دیگر شورای نظار پول گرفتند بوسیله هلیکوپتر به میدان و بامیان نفر فرستادند ولی مردم آنها را جواب داد که نمیخواهیم جنک داخلی را آغاز کنیم، دوبار برای آقای هادی و علوی پول فرستادند ولی نتوانستند که جنک را برای اندازند، ما آرزو مندیم که شورای نظار به هوش بیاید بیجا پول مصرف نکند به همینقدر که از اینها به عنوان اله دست استفاده کرده - اکتفا کنند و از آشوب افگنی دست بردارند، اگر قوماندان خریدن و نفر جذب کردن برای ایشان نتیجه میداد درین دو سال و هفت ماه گذشته نتیجه میداد اما در هیچ منطقه ازین کار خود نتیجه نگرفتند.

در دو سال و هفت ماه گذشته توطئه های گوناگونی علیه مردم غرب کابل از قبیل جنک مسلحانه و سنگ خریدن برای انداخته شدن چندین مرتبه در داخل حزب وحدت برنامه ریختند، پول مصرف کردند، توطئه همراه انداختند، حزب وحدت موفق شد که جلو این توطئه ها را بگیرد و انرا خنثی سازد مشکلاتی را که قبلا " آقای ربابی و مشعود میتوانستند درینجا برای شورای هماهنگی ایجاد کنند، جنک را برای اندازند، راه را مسدود کنند و اختطاف کنند همه این مسایل ختم شده این یک دست آورد بزرگ برای شورای هماهنگی است، هیچکس نمیتواند درینجا اختلال کند، امنیت شان را برهم بزند، راه شان را مسدود کنند، جریبان ارسال مواد را قطع کند این مسایل ختم شده این دست آورد بزرگ برای مردم و مسئولین حزب وحدت است.

مسئله دیگری که درینجا است شمایبید که در اکثر گروه های سلسله بی بند و باری ها وجود دارد که انگیزه و علت آن نامنی و جنگ دوام دارد در سراسر مملکت است، که هیچ گروه نمیتواند افراد مختلف را جزای لازم بدهد، این مسئله در حزب وحدت هم بود یک تعداد قوماندانان و گروه ها خود سربووند، نامنی مردم آزاری و اختلال گری میکردند.

امروز این مشکل حل شده مردم غرب کابل متحد و همدست است هر پروگرام امنیتی را می تواند انجام دهد که این هم حلالیک دست آورد بزرگ برای شورای عالی هماهنگی بخصوص - مردم غرب کابل و حزب وحدت است.

یک سلسله بی بند و باری ها و افراد خود سر در بین تنظیم ها وجود دارد که علت آن عدم نظام در افغانستان بوده و عامل عمده آنها هم آقای ربابی است که نه اردو تشکیل شد نه پولیس و نه هم امنیت برقرار شد بنا برین جنگ ادامه پیدا کرد و یک سلسله خود سری ها به وجود آمد، تبلیغات که در این اواخر شده که بین حزب وحدت و حزب اسلامی اصطکاک پیش آمده و رابطه ایشان به سردی گرائیده کاملاً " دروغ - است ما جلساتی دایر کردیم تا یک سلسله ناهماهنگی ها را هماهنگ سازیم. شورای هماهنگی تصمیم گرفته بود که پنج کمیون تشکیل دهد

زمانیکه حضرت صاحب امدپیشنهاد شد که در یک جلسه مشترک روی این مسایل بحث شود و بعداً " توافقنامه امضا شود، روی همان موضوعات پنجگانه که یکی از آنها است که اصطکاک که بین گروه های پیش می آید، همچنان پیرامون پیرامون هماهنگی نظامی و هماهنگی تبلیغاتی بحث شد و پیشنهاداتی دیگری که شورای هماهنگی داشت روی آن بحث شد و توافق صورت گرفت، امیدوار هستم که این کمیون ها فعال شود و عملاً " به کار آغاز کند مشکلات که دشمن از آن به عنوان اختلافات به نفع خود تبلیغ میکند رفع گردد.

مسئله طلباء که در قندهار بوجود آمده یک مقدار کار طبیعی بوده و یک مقدار دست هائی است که امکان دارد روی اهدافی که وارد قضیه شده باشد مسئله که امروز باعث ایجاد خوشبینی در جامعه شده موضوع قندهار است به مصداق ضرب المثل معروف که میگویند صدای دهل از دور خوش است ۱۱ هرکس که درینجا بگوید که یک نظم و امنیت به وجود می آید مردم مشتاق امنیت است که عامل بازدارنده آن حکومت غیرقانونی، استبدادی و - انحصاری آقای ربابی است که این وضعیت را در - افغانستان به وجود آورده است.

در افغانستان انگیزه های مختلفی برای تاسیس حکومت در بین مردم وجود دارد، یک تعداد قاطع مردم بند با این آرزو اند که اگر یک حکومت اسلامی بمیان بیاید، ارمان شه - معلولین و جهاد ما برآورده شود، یک تعداد حکومت ملی میخواهند که استقلال داشته باشد و کسی در امورشان دخالت نکند، خودشان تصمیم بگیرند، یک تعداد مردم بودند که حکومت غربی مشرب میخواهند که دیموکراسی باشد، آزادی - باشد انتخابات باشد هرکس روی یک انگیزه خودش فکر میکرد، طبقه روشنفکر بر نظر خود فکر میکرد طبقه ملایه نظر خود فکر میکرد، سیاستمداران - غرب گرایانه، نظر خود مجاهدین هم بهمین شکل ولی در دو سال و هفت ماه زمانداری و انحصار طلبی که تاکنون جریان دارد همه ارمان های مردم رانقش بر آب ساخت.

حالاتاً تماماً " بدنبال این مسئله است که به اصطلاح مردم دهند و بیاید ولی امنیت بیاورد، - فلها از هر جایکه یک موج وارد شود و با حرکت به وجود بیاید مردم چون تشنه امنیت اندانرا بسیار بزرگ جلوه میدهد شب و روز نقل مجلس است که فلان کار شد و فلان کار نشد، اگر بگویم در افغانستان از هزار حکومت بیشتر وجود دارد - میالغه تکرده ام هر شخصی که یک منطقه کوچک بدستش است در همانجا خودش حکومت میکند در - منطقه قندهار هم چهار نفر طلبا آمده یک حکومت دیگر را بنا کرده اند، اما در حقیقت بر پیچیده گی مسئله افغانستان افزوده شده کاری را حل نکرده این یک جانب قضیه است.

جانب دیگر قضیه اینکه مردم قند هار با آنها جنگ نکرد، اینها چه تضمین دارند که ایشان به زابل بیایند و کشته نمیشوند در همه جا مردم این انگیزه را ندارند که هرکس بیاید و وسایل شان را بگیرند هر منطقه و هر مردم خصوصیت بخصوصی دارد.

سیاست جهانی (چه روسها و چه آمریکایی ها) این است که در افغانستان یک حکومت پایدار تاسیس نشود، آنها جنک تعیین کننده راهم درین

منطقه قبول ندارند و صلح تعیین کننده راهم میخواهند اینجانا من باشد، آنها روی یک انگیزه این سیاست را در پیش گرفتند مردم مسلمان دنیا در طول چهار دهه سال جهاد به نوعی از انواع با ما همکاری کردند همه مسلمانان دنیا پیروزی مجاهدین در افغانستان را پیروزی خود میدانند و خواهان تشکیل حکومت اسلامی درینجا اند که کفر جهانی از آن می ترسد، آنها میخواهند که این ارمان مسلمانان در افغانستان دفن شود در جای دیگر سبز نشود، باید انقدر نا آرامی بی امنیتی و جنگ داخلی در افغانستان باشد که تمام مردم مسلمان دنیا از آن دلسرد شوند و به این نتیجه برسند که ماهمین کمک که کردیم.

اگر اولاد خود را با خطر جهاد افغانستان فرستاده بودیم و به خاطر پیروزی شان دعا کرده بودیم.

همه بی فایده بود و هیچ وقت هم این نوع پیروزی را در ملک خود نخواهند خواست این هدف کلی آمریکا و روسیه است، مسئله دوم مسئله آسیای میانه است، هفتاد سال فشار روسها و بسا تشکیل سد آهنین که رابطه آنها را با جهان اسلام قطع کرده بود باز هم موفق نشدند که احساس اسلامی این مردم را از بین ببرند، اگر در افغانستان یک حکومت اسلامی بیاید طبیعی است که اثر در آسیای میانه دارد، این اثر از نگاه اسلامی، ملی مردمی، عنعنات و همسایگی است، اینها حتماً میتوانند تمام خصلت های جهاد و ارزش های اسلامی خود را به آسیای میانه صادر نمایند و رشد دهند.

این خطر جدی است برای روسها و آمریکایی ها روسها میخواهند که اتحاد جماهیر شوروی را به یک شکل دیگری اگر اسم آن عوض هم باشد بیاورد داشته باشند به این هدف خود وقتی موفق می شوند که در افغانستان یک حکومت نباشد، روی - این مسئله هرکسی که یک نا آرامی دیگر را به وجود بیاورد پشت سر شان خارجی ها هستند.

شما ببینید که آمریکا در تبلیغات خود زیاد مسئله بنیاد گرای و اسلام گرای را می گوید، میبینیم کسانی که طرفدار آمریکا هستند از حرکت ملاحظه دارند قندهار حمایت میکنند این به چه معنی است ۱۱ ملاحظه کنید که در قندهار آمد شروع گردیده این مسئله که دست راقطع کند اعدام کند و شرع را پایاده کند ولی این مسئله تحت پوشش یک نظام نیست در صورتیکه نظام باشد این کار کار اسلامی نیست، بلکه کار مقطعی و احساساتی است تا یک هرج و مرج دیگر را به وجود بیاورد.

در زابل و غزنی شوراهای جهادی فیصله کرده اند که جلوی پیروزی آنها را بگیرند و نگذارند که بطرف غزنی و زابل بیایند، شورای هماهنگی از فیصله این دو ولایت حمایت میکند ما به این عقیده هستیم که موج انقلاب اسلامی افغانستان و پیروزی جهاد افغانستان برای همه اقشار افغانستان که دارای افکار و اندیشه های مختلف بودند یک غرور آفرید احساس میکردند که به تنهایی خود شان میتوانند مسئله افغانستان را حل کنند و حکومت کنند و کسانی که ارتباط خارجی داشتند برای اربابان خود اطمینان داده بودند که ما میتوانیم در افغانستان همه نیروها را قلع و قمع نمایم و یک حکومت خودکامه خود مختار بوجود بیاوریم اگر چه دو سال و هفت ماه گذشته یک دوران بسیار تلخ برای مردم افغانستان بود ما به این مسئله خوشبین



افغانستان از درانی تاریخی

قسمت دوم

۳- زمانه ۱۷۹۳ تا ۱۸۰۱ م: ۱۲۰۷-۱۲۱۶ ق
 زمانه در مدت ۸ سال سلطنت خود که مرد شجاع و فعال بود دائماً "بر روی زمین قرار داشت و پس از ختم جنگی به جنگ دیگری میشتافت ، زیرا دسایس داخلی و خارجی او را مجبور به جنگ مینمود مردم افغانستان نسبت به سایر پسران تیمورشاه به شاه زمان احترام بیشتری داشتند، زمانه شاه در تصمیم خود که تحکیم مرکزیت دولت در داخل و نجات دادن هندوستان از تسلط استعمار انگلیس در خارج بود با دوقوه مخالف داخلی و خارجی مقابل بود، در هر حال فعالیت فیودالها در داخل افغانستان و فعالیت سیاسی انگلیس در جوار افغانستان زمان شاه را در داخل یک حلقه آتشین محاصره نمود .

در نتیجه سیاست مخالفانه استعماری انگلیس و حرص حکومت قاجاری ایران و جهالت شهزاده محمود برادرش و عده از فیودالهای مقتدر زمان شاه در قلعه ملاعاشق نام سنوار دستگیر و بعد بد ستور محمود چشمان شاه زمان را بانیشت سر شکافتند که این اولین بار استعمارگری انگلیس است که در افغانستان تطبیق گردید، نتیجه آن نجات حکومت انگلیس در هندوستان و اعاده ملوک الطوایفی و تنزل دولت مرکزی بود که افغانستان در سراسر اشیبی و انحطاط قرار گرفت و دو سال بعد از خلع زمانه شاه خراسان در غرب را ایران و مورد شمال را روسیه گرفت و پنجاب در جنوب اعلام استقلال کرد، از تاریخ عزل زمانه شاه تا ۲۰ سال در عهد شاه محمود شاه شجاع و درگیریهای آن دو قلعه اٹک ، ملتان ، دیپره غازی ، دیره اسمعیل ، کشمیر و پیشاور یکی پی دیگری از افغانستان جدا گردیده و بدست انگلیس ها افتاد و بالاخره افغانستان در قالب کوچک و فشرده کنونی به کمک فیودالهای مقتدر داخلی و جانشینان بی کفایت زمان شاه درآمد و مجدداً "سیستم ملوک الطوایفی به بار آمد .

۴- شاه محمود ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۴ م بار اول : ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۹ ه ق :

شاه محمود ابدالی فرزند تیمورشاه که بد ستور او چشمان برادرش زمان شاه گور و سپس محبوس گردید وی خود بی کفایت در اداره کشور بود، سیاست انگلیس تمام افغانستان را فرا گرفته بود، قنوی بزرگ برهبری عبدالرحیم خان غلجایی بفسر سقوط دولت فاسد شده ابدالی قیام نموده و جنگ را براه انداختند، شجاع الملک برادرش برعلیه شاه محمود حرکت کرد و جنگی را براه انداخت دولت قاجاری ایران از فرصت استفاده نموده مشهد و نیشابور را تصرف نمود، در کابل یک جنگ مذهبی مشتعل گردید، بالاخره شاه شجاع ، شاه محمود را شکست داد و قدرت را در کابل بدست گرفت .

۵- شاه شجاع : ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۹ م بار اول : ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۳ ه ق :

شاه شجاع برای اولین بار قندهار را از دست شهزاده کامران و وزیر فتح خان گرفت .

ملاعاشق نام سنواری را اعدام کرد، شهزاده قیصر فرزند زمان شاه در قندهار به همکاری وزیر فتح خان خود را وارث حقیقی سلطنت دانسته و بسوی کابل به مقصد براندازی شاه شجاع حرکت کرد ولی شکست خورد ، زمان شاه که باشاه شجاع بود از او عفو پسرا خواست و حکومت قندهار را برای او به معیت خودش خواست ، وزیر فتح خان از فرساده لشکر کشیده و شهزاده قیصر را در قندهار شکست داد ولی بالشکر کشی شاه شجاع مواجه شد و دوباره به فرار کرد، شاه محمود از کابل به فرار رسید و با وزیر فتح خان یکجا شد ، شهزاده قیصر که در کابل بود دوباره بغاوت نمود و با حاکم کشمیر شیرمحمد خان مختارالدوله لشکر از کابل به پیشاور کشید، شاه شجاع او را در پیشاور شکست داد و قیصر به کوه دامن رفت و وی را در یک نبرد تسلیم شد و باز مورد عفو قرار گرفت ولی از حکومت کابل معزول شد، عظامحمد خان که پدرش شیرمحمد خان کشته شده بود در کشمیر باغی شد، فتح خان در قندهار شهزاده یونس حاکم قندهار را اغوا نمود و شاه محمود را از فرار خواسته به قندهار به پادشاهی برداشت ، شاه محمود در لشکر کشی که بکابل انجام داد شاه شجاع را شکست داد ولی شاه شجاع در ۱۸۱۰ از طریق جنوبی قندهار را تصرف نمود ، اما شاه محمود خان را شکست داد - شاه شجاع در ۱۸۱۱ م در قندهار دوباره با قوای شاه محمود در اویشد ولی شکست خورد، در سال ۱۸۱۰ بر کشمیر حمله کرد باز هم شکست خورد و در ۱۸۱۶ به لود هیانه رفت و آنجا نشست .

۶- سلطنت شاه محمود بار دوم : از ۱۸۱۶ م تا ۱۸۱۸ م (۱۲۲۳-۱۲۳۳ ه ق) :

همچنانکه ذکر شد شاه شجاع از پاننشست و حملات خود را بر شهرها ادامه داد . شاه محمود که برای بار دوم بقدرت رسید و وزیر فتح خان با ۱۸ برادر خود بر شاه محمود و اداره دولت مسلط گردید، در حالیکه شاه محمود در اردک مشغول عیاشی و از اداره امور بیگانه بود، وزیر فتح خان محمد زائی برای تحکیم قدرت شخصی خود ولایات عمده را به شکل اموال موروثی در آورده و بین برادران تقسیم کرد :

- ولایت بلوچستان : سردار رحم دل خان**
 - ولایت قندهار : سردار پیر دل خان**
 - ولایت پیشاور : سردار سلطان محمد خان طلائی**
 - ولایت غزنین : سردار شیر دل خان**
 - ولایت بامیان : سردار کهن دل خان**
 - ولایت کشمیر : سردار محمد عظیم خان**
- بقیه سرداران در کابل بود که عبارتند از : سردار دوست محمد خان ، نواب عبدالجبار خان و نواب اسد خان رنجیت سینگ سکه قلعه نظامی اٹک را در کنار رود سند از برادر عظامحمد خان گرفت که در همین سال ۱۸۱۲ سپاه دوازده هزار نفری دوست محمد خان که عازم کشمیر بود درهم شکست و در ۱۸۱۴ م - رنجیت بامحمد عظیم خان در کشمیر درگیر شد ولی شکست خورد در سال ۱۸۱۸ رنجیت سینگ ملتان را در مدت ششماه جنگ از حاکم افغانی گرفت ولی دولت مرکزی حاکم ملتان رایاری نکرد .

فتحعلیشاه قاجار در ۱۸۱۶ م قلعه غوریان هرات را تصرف نمود ، شهزاده فیروزالدین برادر شاه محمود که والی هرات بود از کابل کمک نظامی خواست ، شاه محمود قشونی بقیادت وزیر فتح خان به هرات بفرستاد، وزیر با چند برادر خود

بهرات رفت ولی قبل از اینکه بسراغ دشمن رود فیروزالدین که به استقبال آنها برآمده بود محبوس کهن دل و دوست محمد وارد شهر شد و بی خبرانه محافظین و افسران هراتی را کشته و وزیرالات حرم سرار دوست محمد خان یادست خود از زنان گرفته به کشمیر فرار کرد، سردار محمد عظیم خان حسب نامه وزیر فتح خان جواهرات مغصوبه را گرفته و دوست محمد خان را در زندان کوه ماران محبوس نمود، وزیر فتح خان فیروزالدین و خانواده او را محبوسا به قندهار فرستاد و بعد تا اسلام قلعه شتافته و دشمن را در کپهان درهم شکست و بی شهید فراری داد .

شاه محمود فرزندش کامران میرزا را عوض عمویش فیروزالدین به هرات منصوب نمود، اما کامران که از اقتدار وزیر فتح خان قبلاً " ناراضی بود همینکه وزیر در برابر او آمد کامران امر نمود که فتح خان را کور و محبوس نمایند .

برادران وزیر فرار کردند و کوری وزیر را دست او بیز قرار دادند اینستکه بار دیگر آتش خانه جنگی آغاز شد، سردار محمد عظیم در کشمیر به تجهیز پرداخت و دوست محمد را از حبس رهانوده بحیث پیشدار بکابل فرستاد ، سردار پیر دل خان در صدد حمله به قندهار شد ، گل محمد خان والی قندهار به هرات فرار نمود، شاه محمود حکومت کابل را بنواسه خود جهانگیر داد، عظامحمد خان حاکم سابق کشمیر بوزارت برداشته شد و خود شاه محمود به غزنی رفت ، کامران نیز از هرات به مقصد غزنی حرکت نمود، شاه محمود و کامران از غزنی بسوی کابل حرکت کرده و در سیدآباد وزیر فتح خان محبوس را اعدام نمود ولی همینکه در چارسیاب رسید خبر رسید که سردار شیردل و کهن دل و پیر دل از ناد علی لشکر کشیده و شهر قندهار را تصرف نمود، پس از قطع خطوط مواصله خود با هرات متوهم شده و براه قلات و دهرآود به هرات مراجعت کردند .

۷- شاه محمود بار سوم : ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۶ م - پادشاه هرات :

پس از فرار شاه محمود از کابل به هرات به اینصورت افغانستان به استثنای هرات در دست برادران محمد زائی افتاد و دولت ابدالی منهدم گردیده و در ۱۸۱۸ فیروزالدین از هرات به مشهد پناهنده شد بقیه دولت ابدالی به شکل یک شهزاده نشینی کوچک در قالب ولایت هرات تا سال ۱۸۶۲ باقی ماند که در وسعت اعظمی خود احياناً " شامل فرقه و میمنه و قسما " هزاره (بادغیس فعلی) می بود بعد از رفتن شاه محمود به هرات کامران با قدرت اداره را در دست گرفت شاه محمود که چنین دیدار شهر هرات خارج شده و از مردم ایماق قشونی بیاراست و هرات را در محاصره کشید ولی در سال ۱۸۲۰ در مقابل پسر مغلوب شد و در ۱۸۲۱ حمله خود را تکرار کرد تا مردم در این میانه در آمده شاهی را به پدرو وزارت - راه پسر داده صلح را برقرار نمودند ازین بعد شاه محمود بدون عشرت و انان کاری نداشت و کامران حکومت مینمود و در ۱۸۲۲ فیروزالدین فراری به کمک قلیچ خان تیمنی و حمایت حکومت قاجاری به هرات حمله کرد و بعد از یازده جنگ

قلیچ خان کشته شد و فیروزالدین اسیر گشت .
 فیودالهای مقتدر هرات برخواستند و دو
 جهانگیر پسر ۲۳ ساله کامران را بریاست
 برداشتند در حالیکه شاه محمود هنوز در قصری
 نشسته و به شراب نوشی مشغول بود و بعد دچار
 اختلاف شده جهانگیر را محبوس و فیروزالدین
 را از حبس کشیده بریاست برداشتند . مصطفی
 قوماندان هرات شاه محمود را از باغی کشیده به
 ریاست او جنگ را آغاز نمود ، بعد از ۱۸ روز جنگ
 که شهر هرات زیر باران گلوله قرار داشت
 فیروزالدین و محمد حسین خان حاکم مغلوبا
 به مشهد فرار بود ، کامران که از فرار برگشت
 در یک نبرد باده هزار نفر ارگ هرات را محاصره
 نموده و آنرا فتح و مصطفی را اعدام نمود از پدر
 یکماه شراب را باز داشت و جهانگیر پسر باغی
 خود را محبوس نمود ، شاه محمود در سال ۱۸۲۹ -
 مرده در حمام قصرش یافت شد .

۸- کامران میرزا : از ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۹ پادشاه هرات

بعد از مرگ شاه محمود ، پسرش کامران
 میرزایه حبث جانشین پادشاهان ابدالی اعلام
 نمود در سال ۱۸۲۷ محمد شاه قاجار به تحریک
 روسها به هرات حمله نمود ، حکومت انگلیسی
 آماده حمله به شرق افغانستان را می گرفت
 در سال ۱۸۲۹ وزیر یار محمد خان پسر عبدالله
 خان الکوزایی شهزاده کامران را محبوس نموده
 بکشت و هرات را بدست گرفت بدینصورت
 آخرین بقایای حکومت ابدالی در شمال مغرب
 افغانستان بر افتاد و سه سال بعد با انعدام شاه
 شجاع و انقراض حکومت پسران او دولت ابدالی
 بکلی از بین رفت .

در زمان سلطنت سلسله ابدالی زمان
 احمد شاه و تیمور شاه به مدت ۴۵ سال یکدوره
 امنیت نسبی داخلی کشور بود که بعد از یک
 دوره تجزیه مجددا دولت سراسری و مرکزی
 بوجود آمده بود اما در عصر شاه محمود و شاه شجاع
 که آتش جنگ داخلی همه جا را فرا گرفته بود
 قدرت مرکزی از بین رفت و افغانستان تبدیل
 به ملوک الطوائفی گردید .

**تشکیل حکومت های کوچک کوچک محلی
 ملوک الطوائفی توسط خاندان محمد زایی :**

سردار پاینده خان محمد زایی در زمان
 زمان شاه ابدالی در یک توطئه علیه او کشته
 شد ، وزیر فتح خان پسر او در انهدام دولت
 زمان شاه کوشید ولی او هم از طرف شاه محمود
 کشته گردید ، برادران او که جمعا ۲۱ نفر
 می شد دولت شاه محمود را سقوط داده و بر
 قسمتی از افغانستان به استثنای هرات مسلط
 گردیدند ولی در طی بیست سال نتوانستند
 دولت مرکزی تشکیل و وحدت سیاسی خود را
 حفظ کنند ، جنگهاییکه اینها مکرر در سراسر
 مملکت در طی سالهای طولانی مشتعل
 ساختند و دولت مرکزی را از پادشاهان منجر
 به تنزل اقتصاد و تجارت و زراعت ، صنعت ،
 سیاست و فرهنگ گردیده و وضعیت را پریشان
 ساختند .

۹- ایوب شاه سدوزایی : ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۳ - م

بعد از کشته شدن وزیر فتح خان برادران
 او به انتقال و کسب اقتدار برخاست و در ۱۸۱۸

سردار محمد عظیم خان حاکم کشمیر برادر خود
 سردار دوست محمد خان را با لشکر به پیشاور
 و کابل فرستاده و خود شاه شجاع را کتبا " به
 پادشاهی دعوت نمود . سردار دوست محمد
 در پیشاور در عوض شاه شجاع برادر او شهزاده
 ایوب را به پادشاهی برداشت و خود در کابل
 رفت و جهانگیر نواب شاه محمود را از کابل
 فراری داد .

۱۰- سلطانعلی شاه : از ۱۸۱۸ تا ۱۸۱۹ - م

امیر دوست محمد در کابل شهزاده
 سلطانعلی برادر شاه شجاع را علی الرغام
 ایوب شاه به پادشاهی و خودش را به وزارت
 اعلان نمود محمد عظیم خان شاه شجاع را در
 پیشاور خلاف معاهده خود درهم شکست و خود
 با ایوب شاه به کابل آمد حالا دو برادر (محمد
 عظیم و دوست محمد) دو برادر (ایوب شاه
 و سلطانعلی شاه) را در دست داشتند که
 محمد عظیم در ۱۸۱۹ سلطام علی شاه را
 از تخت کابل و دوست محمد را از وزارت برکنار
 نمود و بعد ها سلطانعلی را بدست اسماعیل
 پسر ایوب شاه بکشت . ایوب شاه در ۱۸۲۳ -
 توسط پردل خان محبوس و دو پسر او اسماعیل
 و محمد مراد کشته شد .

**انقسام کشوریین برادران محمد زایی
 از ۱۸۱۸ تا ۱۸۳۵ :**

- ۱- محمد عظیم خان از مادر نصرت خیال
 بعنوان وزیر در کابل .
- ۲- پردل خان ، شیردل خان ، گهندل خان
 رحمدل خان ، مهردل خان معروف به سرداران
 قندهاری از مادر غلجایی در قندهار .
- ۳- عطا محمد خان ، یار محمد خان ، سلطان
 محمد خان ، سعید محمد خان ، میر محمد خان
 معروف به سرداران پیشاوری از مادر الکوزایی
 در پیشاور .
- ۴ نواب جبار خان در کشمیر .
- ۵ نواب صمد خان و نواب زمان خان
 در دیره غازی خان .
- ۶- دوست محمد خان از مادر جوان شیری
 قزلباش در غزنی .

**۱۱- امیر دوست محمد خان : بار اول از ۱۸۳۲ تا
 ۱۸۳۹ م .**

تشکیل دولت محمد زایی به قیادت امیر
 دوست محمد خان در ابتدا در یک چارچوبه
 کوچک بود که فقط در اسم و عنوان و سکه متمایز
 می شد نه در رژیم سیاسی زیر اهنوز کشور با
 حالت ملوک الطوائفی بسرمیبرد ، ولایات
 شرقی و شمالی و جنوبی و غربی کماکان مستقل
 بودند . دوست محمد خان قلمرو حکومت خود را
 بین پسران تقسیم کرد او مثل پدر خود پاینده
 خان آدم کثیرالاولاد بود و ۲۷ پسر داشت .

در این دوره از زمام داری او ابتدا با پنجاه
 هزار نفر برای تسخیر پیشاور حرکت کرد ولی
 ناکام ماند و برگشت با انگلیس از در مشورت
 وارد شد در یک لشکرکشی دیگر با سیکها از آن
 هم بی نتیجه برگشت ، قشون ایران به هرات
 حمله کرد ولی دوست محمد خان برای آنکه
 قدرت ابدالی ها در هرات شکسته شود به این
 اشغال ایرانیها راضی بود در عرض ۵۰ سال
 از سال ۱۸۰۶ تا ۱۸۵۶- ایران هشت بار هجوم

نظامی در هرات بعمل آورد .
 در سال ۱۸۲۹- انگلیسها برای بار اول
 اگست ۱۸۲۹- فرار نموده به بخارا پناهنده
 شد .

**۱۲- شاه شجاع : سدوزایی بار دوم از ۱۸۳۹ تا
 ۱۸۴۲ م ۱۲۵۵-۱۲۵۸ ق .**

قوای انگلیس به همراهی شاه شجاع به
 تعداد پنجاه و چهار هزار و یکصد و پنجاه نفر
 در سال ۱۸۳۹- وارد افغانستان شد وی که
 معاهده سه جانبه را با انگلیس امضاء نموده
 بود ، صدها اعلامیه به امضای شاه شجاع بخش
 شده بود که او وارث شرعی و حقیقی سلطنت
 افغانستان " اعلیحضرت شاه شجاع نواسه
 احمد شاه بابای غازی است " و برادران محمد
 زایی غاصب تاج و تخت اند . این قشون بمجرد
 که شاه را بر تخت می بینند و تبریک گفته
 بر میگردند . ابتدا شاه شجاع را در قندهار
 بر تخت نشانند و انگلیسها بیرق خود را از
 جلو چشم او برسم تعظیم ادای احترام نموده
 و ۱۰۱- فیرتوپ نمودند شاه شجاع ابدالی
 فرزند تیمور شاه برای بار دوم در کابل یکامیر
 دست نشانده شد .

مبارزه مردم بر علیه انگلیس آغاز گردید
 در سال ۱۸۴۰- در حالیکه سرداران ملی بنسنا
 انگلیس مبارزه میکرد دوست محمد خان ابتدا
 وارد جهاد شد ولی بنی خیزانه از پروان بکابل
 وارد شد و شمشیر خود را به نماینده انگلیس
 داد و تسلیم شد و انگلیسها او را با خاندانش به
 هند و متان فرستاده و سالانه صد هزار روپیه
 به هزینه میداد .

انتخاب و جهاد علیه انگلیس کماکان
 ادامه داشت انگلیسها در حدود چهل هزار
 کشته برجای گذاشت و ضعف در قوای متجاوزه
 انگلیسی پدید آمده بود که باید فراتر نمایند
 کارشکنی دوست محمد خان سبب شد که وی-
 با فرستادن عینک و قطعی نصاب خود به سردار
 محمد اکبر خان فرزندش که پرچم جهاد را عهده
 دار بود پیغام فرستاد که در بازگشت قوای
 انگلیس جنگ را قطع نماید تا او برگردد که این
 کار عملی شد . شاه شجاع که اعتماد خود را به
 انگلیسها از دست داده بود به صف مجاهدین
 پیوست سرانجام او در کابل کشته گردید
 و فرزندش به هند پناهنده شد و قوای انگلیس
 از افغانستان خارج گردید به این صورت یک
 صفحه از تاریخ که با هجوم دولت
 انگلیس آغاز شده بود با انهدام آخرین
 بقایای دولت ابدالی به پایان رسید .

بقیه از : استقامت و پایداری در روزم

ای سالار شهیدان . آياشود که گوشه
 چشمی به رزمندگان در صحنه گیتی بویژه به
 مجاهدین حق خواه و نستوه حزب وحدت
 اسلامی در کابل خونین بیندازی و از خدا
 بخواهی به آنان ایمان ، امید ، احساس ، شهامت
 شجاعت ، جوشش ، عشق ، خشوع ، محبت ، یقین
 شناخت ، سوز ، وحدت ، توکل ، خلوص ، خروش
 اخلاص ، فداکاری و استقامت پایدار ببخشد که
 راه مقدس و بزرگت را تا پیروزی کامل بریزی
 و خدانشناسان روز دنبال کنند .



فرازهائی از جایگاه زن در قرآن

توبیخ

۱- توبیخ افکار جاهلی :

بدون تردید بیشتر خوی و خصلت های زشت و آداب و رسوم نادرست و حاکمیت فرهنگ خرافات بر اثر جهالت و عقب ماندگی فکری است ، که پشت نمودن به آنها و کشیدن خط بطلان روی آن سنت های به سبب رشد فکری بالا رفتن سطح آگاهی و بیداری ، حاصل می شود .

قبل از تابیدن نور اسلام که سایه شوم جهل و انحطاط فکری بر سر مردم گسترده بود ، بخاطر افکار جاهلی داشتن دختر را ننگ می دانستند و اگر در خانه شان دختر متولد می شد ، بشدت خشمگین می گردیدند . قرآن کریم با توبیخ و نکوهش آن فرهنگ جاهلیت ، از وجهه انسانیت زن دفاع می نماید ، و آن ترجیح ملامت و نکوهش می فرماید :

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ وَإِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِنَّ أَيُّمَسُكَنَّ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُوسُهُ فِي التُّرَابِ أَلَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ " تكویر ۸- ۹ "

آنها برای خداوند دخترانی قرار میدهند ، منزله است او ولی برای خود شان آنچه را میل دارند قایل میشوند ، در حالیکه هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند ، دختری نصیب تو شده صورتش سیاه می شود و مملو از خشم می گردد از قوم و قبیله خود بخاطر بشارت بدی که به او داده شده متواری می گردد ، آیا او را با قبول ننگ نگهدارد ، یا در خاک پنهانش کنند ؟ چه بد حکمی می کنند ؟ !

مشركان به دلیل جهالت و عقب ماندگی فکری فرشته ها را دختران خداوند سبحان می پنداشتند ، بعد آنکه که از فرزند دختر بهره مند می شدند ، ناراحت و خشمگین میگرددند و بدین ترتیب دوگانگی میان پندار و عمل شان بروز می نمود و آنچه را برای پروردگار می پسندیدند برای خود نمی پسندیدند ، لذا در کلام وحی آنان را مورد عتاب قرار می دهد که این چه فکر غلط و پندار اشتباه است که از داشتن دختر نا را حتم می گردید ، و خانه دینار خویش را ترك می گوئید ، و فکر زنده به گور ساختن آنها را به سر می پرورانید و ... دختر و پسر هر دو انسانند ، هر دو از استعداد کمال یابی برخوردارند ، هر دو می توانند مایه افتخار یا سبب سرافکنندگی باشند ، تفاوتی بین آنان نیست ، مسئله نیکنامی و بدنامی شان بستگی به تربیت آنها دارد ، هر کدام آنها درست پرورش یابند جای مباحثات است .

وَأِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ " تکویر آیه ۸ " و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود ، که به کدامین گناه کشته شدند ؟

در روز قیامت از آنها سؤال می شود که به چه جرم و گناه آنان را پدران جاهل شان با بی رحمانه ترین شیوه به قتل رساندند ، چرا به دلیل دختر بودن مورد بغض و کینه نزدیک ترین فرد خویش فرار گرفتند ؟

قرآن مجید طی این آیات و مقایسه طرز تفکر مشركان و طرح این سؤال ، با آن افکار جاهلی و اندیشه خرافی که به پسر بیشتر از دختر بها قایل هستند ، مبارزه می نماید ، و براندیشه برتری مرد بر زن و ترجیح قایل شدن به پرنسیب به دختر خط بطلان می کشد .

۲- در بعد دریافت وحی

وقتی کیفیت ارتباط انبیا پیغمبران و بندگانشان را خداوند با خداوند سبحان و چگونگی دریافت دستور پروردگار مطرح می گردد ، قرآن کریم سه راه را بیان میدارد .

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُلْقِيَ كَلِمَةَ اللَّهِ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأَمْرِهِ إِلَىٰ مَنْ يَشَاءُ

شوری (۵)

شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن بگوید مگر از طریق وحی و الهام یا شنیدن سخنان پروردگار از پشت حجاب ، یا رسولی می فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند .

دستورات الهی برای پیامبران و بندگان مقرب از این راهها می رسد :

- ۱- وحی و الهام به قلب
 - ۲- شنیدن سخنان از پشت حجاب
 - ۳- به وسیله پیام رسان
- جزئیات مسئله نیاز به بحث بیشتر دارد که جای طرح آن اینجاست ، آنچه در این بخش مورد نظر میباشد اینست که قرآن کریم میفرماید : به بانوان وحی شده است :

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

مَآيُوحِيَ إِلَيْكَ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِ فِيهِ فِي الْيَمِّ " طه ۳۷- ۳۸)

و ما پروردگارتو را مشمول نعمت خود ساختیم در آن هنگام که وحی کردیم به مادرت آنچه باید وحی شود ، که او را صندوقی قرار ده و صندوق را به دریابینداز .

در شرایطی که فرعون جهت جلوگیری از تولد و یا بقتل رساندن تو پس از تولد طرح هار یخته بود و مامورین گمارده بود ، تو را مشمول نعمت بزرگ نمودیم و با الهام به مادرت از آن خطر نجات بخشیدیم و نقشه شان را خنثی ساختیم و زمین پرورش و رشد تو را در درون کاخ فراهم ساختیم . . . و اَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مَوْعِظَةً مِّنْ رَبِّكَ فَارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَاذْخَرْتِ عَلَيْهِم مِّنْ مَّوَدَّةِ الْمَرْسَلِينَ (قصص ۷)

ما به مادرموسی وحی کردیم که او را شایسته و هنگامیکه بر او ترسیدی وی را در دریای فگن و نترس غمگین مباش ما او را به تو باز می گردانیم ، و او را از رسولان قرار خواهیم داد .

از این دوایه شریفه بدست می آید که به مادر موسی " وحی " و الهام شده است ، که در پرورش فرزندت کوتاهی نکن ، و هنگام مواجه شدن با خطر وی را به امواج دریاهانما ، و از مبادرت به این عمل هراس و خوف نداشته باش ، ولی اینکه نحوه وحی

و کیفیت الهام چگونه و به چه صورت بوده است باید به تفسیر مراجعه نمود .

۳- در بعد عبادت و ایمان

نیرومند ترین عامل تقرب به پروردگار عبادت معرفت و ایمان به خداوند یکتا است ، هرآنکه در این ابعاد گامهای عملی بردارد و در روند تکاملی پیشتاز و در مسیر حرکت الی الله پیشگام باشد ، جز بندگان مقرب و عباد صالح خواهد بود .

قرآن شریف وقتی پای بندگی به ایمان و استواری در اعتقاد افراد مؤمن را به ترسیم می کشد و هنگامی از خلوص ، خضوع و اثرات سازندگی عبادت صحبت مینماید ، عبادت و ثبات قدم چند بانورا شاهد و نمونه میاورد ، و بدین ترتیب در این بعد در کلام الله مجید از زنان به نیکی یاد میشود .

وَكَلَّمَادْخُلْ عَلَيْهَا نَكْرًا بِالْمَحْرَابِ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ اتِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدَ اللَّهِ (ال عمران ۳۷)

هر زمان ذکر و بیاورد محراب اومی شد ، غذای مخصوصی در انجای دید ، از او پرسید این را از کجا آوردی ، گفت از ناحیه خداست .

حضرت ذکریا که عهده دار سرپرستی حضرت مریم بود ، هر بار از وی خبر می گرفت تا از حالش جو یا شود و نیازش را بر آورده سازد ، می دید آن بانو همه چیز را فراموش نموده تنها به بندگی خداوند سبحان رو آورده و با خلوص و خضوع در محراب مشغول پرستش و عبادت است و غذای آماده برایش فراهم شده ، حضرت جو یا کردید غذا را برای کی تهیه نموده ، گفت از سری پروردگار است بدین گونه در این آیه شریفه از عبادت و پرستش حضرت مریم و مقام و منزلت و بهره مند شدن آن بانو از مائده آسمانی یاد می نماید .

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ قَرَعُونَ

اذْقَالَتِ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْحَنَةِ وَنَجْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمُ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي ؕ (تحریم ۱۱-۱۲)

و خداوند مثلی برای مؤمنان زده به همسر فرعون در آن هنگام که گفت پروردگار خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و عمل او نجات ده و مرا از قوم ستمگرهائی بخش و همچنین مریم دختر عمران که . . .

مؤمن بودن و ایمان داشتن نیاز به اثبات دارد ، اگر می خواهید ایمان تان را به خداوند بگذارید و بفهمید که به راستی به خداوند سبحان ایمان دارید ، خود را به زنان با ایمان تطبیق دهید و بنگرید در چه پای بند اعتقاد تان هستید ؟ وقتی بین موقعیت اجتماعی و باور تان تضاد پیش آید ، عنوان و مقام را بر عقیده ترجیح نمی دهید ، و همچون " اسیه " حاضر می گردید بخاطر ایمان از عنوان و آسایش بگذرید با تحمل شکنجه و فشار از جان و زندگی دست بکشید .

اینکه در این دوایه شریفه عبادت و ایمان این دو بانوی بزرگ به عنوان الگو مطرح میشود بیانگر عظمت آنها و اثر نداشتن جنسیت در تکامل انسان است .

۴- در بعد فکر و مدیریت

در میان هزاران نوع مخلوقات کوچک و بزرگ آنچه انسان را از سایر موجودات و جانداران متمایز نموده است ، قدرت تعقل ، بیان ، استعداد فراگیری ، آموزش و خلاقیت انسان میباشد ولی



افراد بشر از نظر تفکر، اندیشه و مدیریت با هم تفاوت فاحش دارند برخی از فکر، هوش و درایت فوق العاده برخوردارند و بعضی بسیار کوتاه فکر و بی تدبیر هستند.

در قرآن شریف وقتی از دوران پیشی، سطح فکری بالا و مدیریت سخن به میان می آید عملکرد تدبیر و موضعگیری معقول ملکه سبا و بیان ملک مدیریت در پیشنهاد دختر حضرت شعیب را بیان میدارد.

قالت ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها وجعلوا عزة اهلها اذله وكذلك يفعلون وانى

مرسله اليهم بهديه فناظره بم يرجع المرسلون (نمل ۲۲-۲۵)

گفت پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن رابه فساد و تباهی می کشند و عزیزان انجارا ذلیل می کنند، کار آنها همی گونه است و من هدیه گرانبهائی برای آنها می فرستم تا ببینم فرستاده گان من چه خبر می آورند.

وقتی حضرت سلیمان، ملکه سبا رابه دین حق فراخواند، ملکه با مشاورین و مسئولین کشور مشورت نمود، و نظر آنها را جویا شد، آنها از قدرت نظامی و امکانات تسلیحاتی سخن گفتند، ولی خودش طرح عاقلانه ارائه کرد که در قدم اول نباید جواب سربالا بدهیم، باید ارزیابی نمائیم که وی حاکم و زمامدار است یا پیامبر خدا؟ زمامداران ستمگر جز تباهی و فساد چیزی از من نمی آورند و ۰۰۰ لازم است هیاتی را با هدایای نفیس و قیمتی گسیل داریم تا بروند از نزدیک مسئله را بررسی کنند و بنگریم و اکنش و برخوردش چگونه است و ۰۰۰

چنانچه فکر سلیم و دور اندیشی ملکه نبود صلاحیت تصمیم گیری با مردان اطرافیانش بود آنان نسنحیده به دعوت حضرت سلیمان (ع) - جواب رد میدادند، که این برنامه ارزیابی قبل از پاسخ و پیش از تصمیم او، درایت، شعور سیاسی و کفایت کشورداری ملکه را می رساند. در بیان ضابطه و ملاک مدیریت رساترین تعبیر و زیباترین جمله را دختر حضرت شعیب بیان داشته است.

قالت احديهما يا ابت استاجرنا خير من استاجرت القوي الامين (قصص ۲۶)

یکی از آن دو گفت پدرم او را استخدام کن چراکه بهترین کسی را که استخدام می توانی کنی آن کس است که قوی و امین باشد.

وقتی دختران شعیب، قدرت و پاکی حضرت موسی را دیدند، یکی به پدرش که در پی استخدام کارگربود پیشنهاد نمود که مهم ترین معیار سپردن مسئولیت و قدرت و امانت است، که در این جوان مشاهده میشود، وی را برای این امر برگزین.

اینگونه که ملاحظه میفرماید کلام الله محید تدبیر صحیح و فکر معقول ملکه سبا را می ستاید، و برخورداری وی را از چنین اندیشه تحسین می نماید و دیدگاه دختر حضرت شعیب را در باره اصول مدیریت، به عنوان معیار بیان میدارد و بدین کیفیت " فکر و مدیریت زنان در قرآن کریم به شایستگی یاد گردیده است.

۵- در بعد مبارزه

هرچه به عقب برگردیم و تاریخ تحول گذشتگان را مرور نمائیم پی می بریم که در سابق بر اثر حاکمیت جهل، رونق بازار شرک، بت پرستی و نظم گرم بوده است و ستمگران با استفاده از - عقب ماندگی فکری مردم، روحیه ستم پذیری رابه عنوان فرهنگ پیروی از بزرگان برملت ها تحمیل داشته بودند و بر سر مردم آنچه می خواستند می آوردند و در مقابل پیامبران مردم را - بیدار و آگاه می ساختند و از شرک و ستم پذیری بازمی داشتند و به توحید و نجات از زیر بار ستم فرامی خواندند و لذا فرعون ها، نمرود ها، شادها و بوجهل ها که پایان اقتدار بت و زوال قدرت شان را در گرو موفقیت و گرایش مردم به انبیا - تشخیص داده بودند به ستیز با انبیا می خواستند که یکی از طاغوت های منحصر به فرد فرعون بود.

وقتی برای فرعون قطعی شد که حضرت موسی متولد می شود، و بساط او را برمی چیند و بنی اسرائیل را از ذلت و سلطه وی نجات می بخشد جهت جلوگیری از زنده ماندن حضرت موسی هر نوزاد رابه قتل می رساند، ولی چون مشیت و اراده الهی بر آن قرار گرفته بود که آنحضرت قومش را از چنگ فرعون نجات دهد، سه زن - (مادر موسی، خواهر موسی، زن فرعون) سبب استمرار حیات حضرت موسی شدند و چهارم دختر (حضرت شعیب) باعث رشد و تکامل او گردید.

واوحينا الى اموسى ان ارضيه فاذا خفت عليه قالقيه في اليم (قصص ۷)

ما با مادر موسی وحی کردیم که او را شیب برده و هنگامی که بر او رسیدی وی را در دریا بیفگن. در شرایطی که طبق دستور فرعون نوزاد پسر باید از بین برده شود، نگهداری و پرورش موسی برای مادرش حرم بحساب می آمد و تا زمانی که توانست فرزندش را شیر داد و هنگامی که احساس خطر نمود، و بر اساس الهام الهی او را به دریا افگند رهاش نکرد، مسوولیت دنبال نمودن صندوقچه رابه دخترش سپرد.

وقالت لاخته قفيه (قصص ۱۱)

مادر به خواهر او گفت وضع حال او را پیگیری کن علی رغم خفقان پلی شدید، خواهر به تعقیب آن شتافت که امواج خروشان دریا با برادرش چه می کند، تا اینکه آب صندوق را درون کاخ فرعون برد، وقتی نزد فرعون و همسرش صندوق را گشودند و بزخلاف توقع، درون آن نوزادی مشاهده نمودند، فرعون که هزارها نوزاد را بقتل رسانده بود، جلادش را فراخواند تا نوزاد را سر ببرد، همسر فرعون ابراز نظر نمود و از آن کار باز داشت.

لا تقتلوه عسى ان ينفعنا او نتخذه ولدا .

(قصص ۹)

اورا نکشید، شاید برای ما مفید باشد، یا او را پسر خود برگزینیم.

خواهر موسی که می نکرد امواج دریا برادرش رابه کاخ جلاد هدایت ساخت، علی القاعده باید احساس خطر میکرد و نگران می شد و گریه کنان این خبرنگار را با مادر می رساند، ولی خود را نمی باز و مسایل را پیگیری و تعقیب می کند و با چه مشکلات خود را درون کاخ می رساند. می نگرد برخلاف - برنامه شان از کشتن برادرش منصرف شده اند و دنبال شیرده هستند، وی پیشنهاد مینماید:

فقالت هل ادلكم على اهل بيت يكفلونكم (قصص ۱۲)

گفت آیا شما رابه خانواده ای راه نمائی کنی که میتوانند این نوزاد را کفالت کنند.

بدین کیفیت تلاش و کوشش این سه زن مبارز (مادر موسی، خواهر موسی، زن فرعون) سبب استمرار حیات حضرت موسی گردید. بعد از آنکه حضرت موسی بی سنین جوانی رسید، و به مخالفت با فرعون برخاست و فرعون به فکر دستگیری وی افتاد و افرادی را برای آن کار گمارد، و حضرت موسی رهسپار شهر " مدین " گردید، آنجا نیز دوشیزه ای (دختر شعیب) - باعث شد که با شرفیابی حضرت موسی خدمت حضرت شعیب زمینه تکامل وی فراهم گردد.

قالت احد يهما يا ابت استاجرنا خير من استاجرت القوي الامين . (قصص ۲۶)

یکی از آن دو گفت: پدرم او را استخدام کن چراکه بهترین کسی را که استخدام میتوانی نمائی آن کس است که قوی و امین باشد.

حضرت شعیب بر اساس پیشنهاد و حرف منطقی و معقول دخترش، حضرت موسی را استخدام فرمود، و او علی سالیانی که محضران پیامبر خدا بود، علاوه بر کار، بهره های معنوی در جهت خود سازی و تهذیب نفس برد.

و نیز وقتی همسر فرعون ایمان آورد، و به مخالفت با فرعون مبادرت ورزید، این عمل برای فرعون بسیار گران بود، زیرا بدین وسیله غرور و راسکست پرستی او را در جامعه پائین آورد و در اذهان مردم عاقل سؤال خلق نمود. نه فرعون که لاف می زند اناریکم الاعلی چگو همسرش دعوت او را نپذیرفت و اگر او برحق بود چرازش حاضر می شد در زیر شکنجه جان بازاد - ولی زیر بار ادعای او نرود.

اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة و نحنى من فرعون و عمله . (تحریم ۱۱-۱۲)

گفت پروردگارا خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و عمل او نجات ده، و مرا از قوم ستمگر رهاش بخش.

این آیات شریفه با بیان چگونگی نجات حضرت موسی و کیفیت افتضاح فرعون بخوبی بازگو می نماید که در کنار امدادهای الهی این بانوان مبارز و متعهد در جهت نجات حضرت موسی از خطر، سهم اساسی و در سوائی فرعون نقش موثر داشته است.

البته بانوان متعددی در صدر اسلام در جهت نشر اسلام و مبارزه با مشرکین وجود داشته اند و در آن راستا رنج فراوان کشیده تلخی و مرارت بسیار چشیده و زحمت و مشقت زیاد دیده اند، مانند حضرت خدیجه، سمیه و... که چون موضوع بحث ما " جایگاه زن در قرآن " است، از طرح فداکاری، فعالیت و مبارزات آنان خود داری می نمائیم. **ارامه دررد**

بقیه از : ورزش و جوانان

" ضمن عرض تبریت خدمت استاد سرور رحیمی انتصاب بجاوشایسته ایشان را بنمایند کی تربیت بدنی حزب وحدت اسلامی را در کویته تبریک می میگویم و برای ایشان از روی موفقیت و پیروزی را در تمام امور زندگی داریم.

مهدی، هادی، حیدر، جعفر توکلی، اصغر احمدی عباس مظفری، یاسین احمدی، اکبر مظفری



بقیه :

بیانات استاد مزاری با...

هستیم و به این نتیجه رسیدیم که ما نمیتوانیم به تنهایی حکومت کنیم ، انحصار طلبی نمایم یگانه راه راه تفاهم است و باید بپذیریم که همه مشترکا "تصمیم بگیریم ، گسائیکه باخارج ارتباط داشته دارند ، به آنها هم فهمانده شد که هیچکس نمیتواند در افغانستان به تنهایی حکومت کند و هیچ گروهی توان این مسئله را ندارد ما این رایک موفقیت میدانیم ، امیدوار هستیم که این راه و منطق صدر صد عملی شود و مسئله افغانستان حل شود ، انحصارگری به هر شکل که باشد در جامعه افغانستان راه حل مشکل نیست همانطوریکه مردم افغانستان در طول دوران جهاد بخاطر پیروزی این جهاد همه سهم بودند باید در حکومت آینده هم سهم باشند غیر از این راه برای دیگر فکر کردن بی راهه است این وطن و وطن همه افغانهاست و همه اقوام واقشار و احزاب در آن سهم اند بیاید موجودیت یکدیگر خود را بپذیرند ، راه حل و تفاهم پذیرش - یکدیگر است ، ما دو سال و هفت ماه گذشته این مسئله را به اثبات رساندیم و گسائیکه به این مسئله قانع نبودند امروز قانع شده اند ، امکان دارد یک تعداد هنوز هم از لجاجت کار بگیرند و پافشاری کنند ولی این راه ، راه حل نیست ما در گذشته هم مکررا "گفته ایم که نمیتوان از طریق نظامی مسئله را حل کرد با این وضع و شرایط که اقوام ، ملیت ها و احزاب همه مسلح اند چهارده سال جهاد کرده اند و سلاح در اختیار خود دارند ، این یک مسئله کلی است ، ولی این بدان معنی نیست که ما راه نظامی را ، راه حل نمیدانیم و اگر کسی بالای ما حمله هم کرد ما در مقابل آن نمی جنگیم ، ما برای احقاق حقوق خود و بخاطر دفاع از مردم و حیثیت خود کاملا "از خود دفاع میکنیم .

در صورتیکه ما باور داریم که احزاب هر قدر مسلح باشد و قدرت داشته باشد باز هم در برابر باروسها سلاح و قدرت ندارند ، زمانیکه مردم ما در مقابل روسها با دست خالی قیام کردند هم خود را مسلح ساختند و هم آنها را شکست دادند ، هیچ یک از ممالک دنیا چه اسلامی و یا غیر اسلامی در اوایل انقلاب مردم ما را کمک نکردند ، مردم خودشان تصمیم گرفتند و در مقابل روسها قیام کردند بعد از آنکه مردم دنیا دیدند که مردم افغانستان در مقابل حکومت و در مقابل اشغالگران قیام کردند و توان مقاومت را دارند ، آنوقت به کمک و تشویق مردم افغانستان پرداختند ، این مسئله را تاریخ کشور ما به اثبات رسانده که اگر مردم تصمیم بگیرند میتوانند مسئله را یکطرفه کنند ما سافانه مردم ما تا حال کدام اقدام نکرده فقط تحمل کرده است ولی ما امیدوار هستیم که اگر احزاب با هم به توافق نرسند و سرنوشت مردم را به خودشان واگذار نکنند تا از طریق انتخابات آزاد مسئله را حل کنند ، مردم روزی تصمیم خواهند گرفت تا از این وضعیت بیرون بیایند حتی ما معتقدیم هستیم که در اغتشاش تاجکستان دست روسها است روس ها هیچ وقت نمیخواهند تاجیکستان آرام باشد هر قدریکه تاجیکستان نا آرام باشد وابستگی کشورهای آسیای میانه با روسها بیشتر می شود ، به خاطر اینکه روس ها به سلطه خود بالای آسیای میانه ادامه دهند یگانه راهش اینست که افغانستان آرام نباشد ، لهادن ما این باور نیستیم که روسها با این نتیجه رسیده باشند که

ایادی شان را دیگر کمک نکنند ازینکه راه آسیای میانه بالای افغانستان است اگر در افغانستان امنیت باشد پاکستانی ها ، ایرانی ها و خود مردم افغانستان میتوانند کار کنند فکر مردم پاکستان - ایران و افغانستان غیر از فکر روسهاست به همین خاطر روسها درین منطقه به نا آرامی و ادامه وضع موجوده کوشش میکنند .

هر قدری کمک که از خارج برای مسعود می شود به خاطر ادامه جنگ است امیدوارم که برادران تاجک این مسئله را درک کرده باشند که این وضع به نفع ایشان نیست از تنظیم جمعیت هم تعدادی باید این مسئله را درک کرده باشند که این وضعیت به نفع تنظیم ایشان نیست .

عبدالرحمن به سفارت ایران رفته بود و به ایشان گفته بود که ما به هیچ وجه از دست رفتن اسکا و قرار گرفتن آن به دست حزب وحدت و حزب اسلامی را تحمل کرده نمیتوانیم از اینکه ما طرفدار جند نبودیم گفتیم که جلوتوطئه را گرفتیم ما اسکا را کار نداریم شما اگر تضمین از آن طرف را داشته باشید حاضریم جنگ را در همینجا قطع کنیم ، آنها رفتند و به ایشان گفتید که ما این مسئله را قبول کردیم ولی فردای آنها جنگ خونینی را علیه ما راه انداختند .

قبل از سقوط تپه اسکا دوسه مرتبه از سفارت ایران هیئتی بخاطر ایشی اسکا آمدند ولی بعد از آنکه تپه سقوط کرد هیئت به نزد مادرین رابطه نیامده و محبت های که هم بعد از آن آمدند روی مسئله عمومی بحث کرده اند و روی مسئله خاص بین حزب وحدت و افراد فراری که در کنار شورای نظار قرار گرفته اند بحث نشده است ، این مسئله مربوط مردم غرب گابل است که درینجا شهید داده اند و مربوط ما و گسائیکه میخواهند میانجیگری کنند نیست و سرنوشت حزب وحدت تعلق دارد به خود مردم ماکه مردم ما چه تصمیم میگیرند .

من عادتاً " در مصاحبه ها کم حاضر می شوم و سخنرانی هم کم میکنم ، در دو سال و هفت ماه گذشته در اینجاسال یک و دو بار بیشتر صحبت نکردم ، هر گاه جنگ هایی که بالای ما تحمیل شده است خاتمه پیدا میکند من هم با مردم صحبت میکنم و هم مصاحبه ها انجام میدهم شما میدانید که آنها هیچگونه رعایت بین نظامیان و غیر نظامیان نمیکنند و قتیکه من سخنرانی کنم ختما " مردم جمع می شود و بیهم میرود که آنها بالای مردم فیر کنند و مردم خساره مند شوند و لذا من تا حالا با مردم بشکل عمومی صحبت نکرده ام ، در رابطه با مصاحبه هم چندین بار که پیام آزادی تماس گرفت برای شان گفتم که در ختم جنگ مصاحبه میکنم ، این سنبل فیرینه من است که در ختم جنگ مصاحبه میکنم ، ایندکه آنها تبلیغ میکنند خود علامت شکست آنهاست ، آنها درینجا پول مهرب کردند ، توطئه براه انداختند ایادی شان درینجا بود و ایادی شان تصفیه شد ، خود ایشان هم پنجاه و پنج روز چه از طریق هوایی و چه از طریق زمینی با ما جنگیدند ولی شکست خوردند و هیچ چیزی عاید شان نشد ، لهادن روی این مسئله به شکل مبتذل از طریق رادیو تبلیغ میکنند ، این خود علامت شکست است نه علامت پیروزی .

کسیکه بخاطر پیاده کردن برنامه اش موفق میشود پس برای تبلیغات پوچ و بی اساس هیچ ضرورت نیست افند ، رادیوی شورای نظار مضمون نداشت چهار نفر فراری که از اینجا رفته برایش مضمون پیدا شد ، مرتبا " آنها مصاحبه میکنند و آنها هم بدون اینکه به آینده خود فکر کنند و یا مافاع مردم خود را در نظر بگیرند هر چه که به دهان شان آمد تبلیغ میکنند ، مادر جواب آنها میگویم

که آنها شکست خوردند و توطئه شان نقش بر آب شده است اگر آنها فحشی نگویند پس چه کار کنند .

من با این باور نیستیم که آقای ربانی تادم مرگ از ریاست جمهوری استعفی نمی کند و اکنون هم بهمان عقیده هستم ، اگر ربانی واقعا " پابند یکی از ارزش هاهم می بود درین یکی دو ماه اخیر نباید خود را رئیس جمهور اعلان میکرد ، چیزهایی را که خود ایشان اعدا داشتند مثل فتوای ستره محکمه و شورای هرات آنها ختم شد ، اکنون که آنها بنام رئیس دولت اعلان میکنند معیار انرا اعلان نکرده اند ، اگر قرار باشد که هر کس در یک گوشه نشسته و امکان پول چاپ کردن را داشته باشد امکان دارد در آینده صدر رئیس جمهور در افغانستان به وجود بیاید من باور ندارم که آنها دست از این مسئله بردارند .

اینها قبل از جلسه هرات هم میگفتند که آقای مسعود با این مسئله مخالف است ، حتی از طریق سفارت ایران و به صورت غیر مستقیم از طرف بعضی اعضای شورای نظار برایم خبر داده بودند که شما خواسته تان اینست که دیگر آقای ربانی رئیس جمهور نباشد در جلسه هرات این مسئله حل میشود شما مطمئن باشید ، این نقطه را برای ما کسیکه از طرف شخص مسعود آمده بود گفت آقای سیاف هم این مسئله را می گفت ولی مادر هرات دیدیم که این مسئله دروغ بود حالا آنها بهانه میکنند که اسمعیل خان میگوید که ۱۸ ماه دیگر شمارا رئیس جمهور تعیین کردند اکنون سه ماه دیگر من شمارا رئیس جمهور تعیین میکنم ، اگر این منطق باشد قوماندانها زیاد است ، سه ماه یک قوماندان دو ماه یک قوماندان دیگر به همین شکل ادامه پیدا میکند ، درین مدت که هیچ مرجع قانونی انرا نائید نکرده حتی به زعم خود شان ولی باز هم این را صبیغه رئیس جمهور و شورای عالی میدهند و در آن شورای آقای مسعود و سیاف هم شرکت میکنند باز آقای ربانی به صفت رئیس مجلس و اداره کننده جلسه است آنها در پیروسه سازمان ملل موافق نیستند چیزی را - که ما میدانیم ، و قتیکه آنها قاطعانه جواب دادند و بعدا " فشار بین المللی و تبلیغات علیه آنها زیاد شد ، اینها به خاطر ترسیم این مسئله هیئت بلند پایه فرستادند که آقای سید نور الله عماد هم در ترکیب این هیئت بود ولی سازمان ملل برای آنها پنج دقیقه وقت نداد گفته بود که ما سه نظر داریم ، اگر آنها را ربانی قبول دارد - خوب و در غیر آن وقت نداریم ، حرفهای شمارا بشنویم ، این یک ضربه قوی بود از نگاه تبلیغاتی بعدا " فیصله کردند که باید با سازمان ملل هماهنگ شویم ، آقای ربانی در یک جلسه تحلیل کرد که اگر سازمان ملل یک حکومت به وجود بیاورد خوب است ولی آقای سیاف با این مسئله ناراحت بود .

آقای سیاف در جلسه شورای عالی که به اصطلاح خود شان تشکیل داده بود شرکت نکرد . آقای ربانی به دنبال آن به پغمان رفت ، آقای سیاف برایش گفته بود که این پشت کردن به آرمان جهاد است ، بعدا " آقای ربانی گفته بود که من هم موافق نیستم ، بعد از توافق در جلسه اشتراک کرد ، اکنون که از طریق رادیو تبلیغ می کنند این حرف واقعی شان نیست .

بلکه آنها با اصطلاح با طرح سازمان ملل موافق نیستند و این وضعیت را تغییر دادنی نیستند مگر به اثر فشار سیاسی و نظامی که آن مسئله علحیده است .

درین شکی نیست افرادی که در انطرف زنده گی میکنند و یک تعداد کدرهای وزارت خانه ها استادان است ، آنها از وضعیت فعلی ناراضی



هستند و عامل این مسئله هم آقای ربانی و مسعود رامیدانند ، این مسئله ایست که در آن هیچ جای شك نیست ، آنها تلاش دارند تا يك حكومت قانونی بیايد ، آرامی ، امنیت و صلح بیايد مردم اکنون راهی ندارد ، اگر در اردو است ، در وزارت - خانه است و بیاكسیه كار است ، اینها به خاطر معاش به دنبال میاید ، بخاطر يكه كار دیگر وجود ندارد ، این حاضری امضا كردن و معاش گرفتن ها برای مردم يك درآمد است ، طبیعی است كه شورای هماهنگی منابع پولی در اختیار ندارد اکنون اگر اعلان كنیم كه افراد اردو ، كسانيكه در وزارت - خانه ها است بیرون بیایند آنها تا همین معاش میخواهند ، شورای عالی هماهنگی منابع پولی بی پشتوانه را در اختیار ندارد لذت مردم بانكه راضی نیستند و ناراحت هستند ولی با آن هم روی - مجبوریت میروند حاضری امضا میكنند برای اینکه اولاد شان تلف نشود زندگی ایشان فلج نشود عامل اصلی ماندن آنها در كنار دولت اینست ، اگر شورای هماهنگی هم دولت تشكيل میداد و كاری را كه آنها كردند شورای هماهنگی هم میكردمستولیت كلك هارا جلب كند ، كلك پولی تهیه كنیم در انوقت زمینه مساعد میشد كه مردم دورا داره - انتقالی را ترك كنند و ببینید این كار را شورای هماهنگی نكرده ، مردم این امكانات را میخواهند مردم از چاپ پولی پشتوانه نارا خي هستند ولی چاره ندارند این وضعیت فجیع را آنها بار آورده - اند ما قبل از ۲۳ سنبله هم با شورای نظارو هم با اتحاد آتش بس داشتیم هیئت های مشترك بنام هیئت های صلح در غرب كابل بودند كه نظارت میكردند اگر كدام اغتشاش رخ میداد جلوانی را میكرفتند ، متاسفانه این توطئه كه از قبل آماده شده بود مآكه جهت خنثی كردن آن اقدام كردیم در همان روز اول در ظرف شش هفت ساعت توطئه ختم شد ، بعدا " با اتحاد و شورای نظار گفتیم كه با شما جنگ نداریم ولی متأسفانه آنها وارد جنگ شدند و پنجاو پنج روز این جنگ دوام كرد ، زمانيكه نیروهای شورای هماهنگی به نزدیک قلعه حیدر خا رسیدند و قریب بود كه قلعه حیدر خا فتح شود و هم جنگ به پغمان كشانده شد ، در این فرصت مولوی نظام الدین حقانی به خاطر میانجیگری وارد صحنه شد حكمتیاریا من تماس گرفت كه مولوی نظام الدین بخاطر آتش بس آمده است ما گفتیم كه به آتش بس موافق هستیم به شرط انكه سیاف از ائتلاف بیرون شود و آقای ربانی را مجبور بسازد - كه به مذاكره جهت يك صلح دوامدار حاضر گردد ما طرفدار جنگ نیستیم ، مولوی نظام الدین برای يك هفته آتش بس اعلان كرد و سنگرها را دیدن كرد آقای سیاف آماده بود كه اگر آقای ربانی آتش بس نكند نیروهای سیاف باید از كنار نیروهای ربانی جدا شود ، اگر ربانی جنگ كرد نیروهای سیاف در - جنگ شركت نكند ، متأسفانه تا حالا آقای سیاف به قول خود عمل نكرده است نه اعلان كرد كه از ائتلاف بیرون میشوم و نه ربانی را وادار كرد كه مذاكره كند و دولت موقت را قبول كند و كدام هیئت مخصوصی بین ما متبادل نشده پانهم عملا " در - بین ما همان آتش بس تا حالا رعایت شده است • دوسال و هفت ماه به شكل دوامدار در كابل جنگ بود و عامل این جنگ هاهم آقای ربانی و سیاف بودند كه روی انحصار طلبی و قدرت طلبی ایشان این جنگ بالای مردم تحمیل شد طبیعی است كه پیامد جنگ خرابی ، قحطی و بار آوردن مشكلات است ، شورای - هماهنگی برای بهبود و حل مسئله افغانستان طرح هایی دارد ، سازمان ملل هم از طرح های شورای هماهنگی حمایت کرده در مناطقی كه تحت كنترول

شورای هماهنگی است پاتك هاهم برداشته شده برای موادم اجازه داده شد كه آورده شود ولی پیامد های جنگ به همه جوانب تعلق دارد از توان شورای هماهنگی به دور است كه پیامد های جنگ را از سر مردم دور كند ، جنگ بالای مردم تحمیل شده خانه شان خراب شده اولاد ایشان كشته شده ۰۰۰۰ چیزيكه مربوط شورای هماهنگی است آنرا كرده است طرح صلح راداده ، آتش بس را قبول کرده ، پاتك هابرداشته طرح راه حل سیاسی راداده ، امامشكل مردم افغانستان را يكطرف قضیه نمیتواند حل نمایند •

پایان

بقیه از : سراج التواریخ

آثار بسیار تهیه ، تدوین ، تالیف ، طبع کرده است كه از آن جمله است نوكتاب به نام های پژوهش در تاریخ هزاره ها و تاریخ تشیع در افغانستان كه هر دو مستند و مستدل و شایسته شناختن و شناساندن است ، در ضمن نوشته آقای یزدانی گفته شده است كه : داکتر عبدالاحمد جاوید استاد دانشگاه كابل در مقاله ای تحت عنوان نظریه اجمالی به فرهنگ دوره محمد زایی تعداد مجلدات سراج التواریخ را پنج ذكر کرده است ••• محتمل است كه جلد چهارم و پنجم كتاب نزد سردار عنایت الله خان فرزند امیر حبیب الله خان كه در زمان چاپ كتاب متصدی امر نظارت بر مطبوعات بوده است باشد •

فرزند برومند سردار منگور جناب حمیداله عنایت سراج از شخصیت های مشهور و وطن و طی سالیان دراز عهده دار وظایف خطیر همچون ریاست تالیف و ترجمه و وزارت معارف بوده اند به نظر بنده آمده ، آن جناب از لحاظ ملی و حتی از نگاه شخصی نیز احساس مسئولیت خواهد كرد كه اگر این استیضاح و عریضه از نظرشان گزارش می یابد از هم میگری در این بحث خود داری نفرمایند ، بلی ، شخصی كه تاریخ مورد بحث به اسم حد شان سراج الملّه والدین مسمی شده است ، و اوراق به خربان تالیف و طبع آن - اطلاع دقیق و دست اول را از نزدیک دارنبد عجیب و بعید می نماید كه از بیان مفصل تاریخچه و چگونگی آن باورزند ، تمنای مجدد مصرانه این است كه جریان را چنانكه خود می دانند به اطلاع هموطنان برسانند •

" سخن ناشر " كه پیشتر به آن اشارت رفت با این درخواست از شما میخوانندگان خصوصاً به پایان رسیده است كه : از یاد كردن نواقص موجود در بیخ نورزند و ناشر را در نيكوتر شدن کیفیت كتاب در چاپهای آتی یاری فرمایند •

این صلاي عام به نگارنده این سطور جرئت می بخشد كه پس از تحسین مجدد كار نيكوی ناشر و وطندار و همكاران دانشمند شان ، در كمال اجمال یادآوری نماید كه در چاپ دیگر تهیه و طبع فهرست اعلام ، اماكن ، اقوام و نیازیات واحادیث و اشعار نیز در نظر گرفته شود كه كتابهای تاریخی بدون چنان فهرستی نمی تواند امروزی و عصری شمرده شود ، در عین حال اگر فرهنگ و قاموسی به ترتیب الفبایی از لغات و اصطلاحات مهجوری كه در پیاورقی هاهم معنی شده ترتیب و در آخر كتاب ضمیمه گردد ، بر مزایای طبع جدید خواهد افزود ، بعون الله تعالی و منه و كرمه •

پایان

" نامه رسیده "

خوانندگان گرامی !

نامه های راكه ملاحظه و مطالعه میفرمائید از جناب آقای عبدالروف الله یاری از چاپان بدست ما رسیده كه عینا " آنرا چاپ و از آقای الله یاری كه چنین ابراز احساسات نموده باتیز بینی و بخصوص آینده نگری بمانامه نوشته سپاسگزاریم •

(اداره طلوع وحدت)

سلام صمیمانه ام را خدمت برادران مستیبول در حزب وحدت اسلامی و مخصوصاً " جناب آقای مزاری رهبر عالیقدر تقدیم میدارم ، دعای خیر ملت و مردم ماهمیشه همراهی تان بادواز خدا خواهانم كه بیاری خودش شمارا در مسیر و هدف انتخابی و خواسته های برحق تان موفق گرداند •

شما با حرکت و تلاش ، صبر و استقامت و اخلاص خویش در قبال بیداد گری های موجود در افغانستان چه در زمان اشتغال و تجاوز اشكار و پنهان ارتش متجاوز روسیه و چه بعد از پیروزی و حاكم شدن قلدراهی مجنون و دنیا به پرست و غارت كنندگان بر حیات و اموال مردم نشان دادید كه همیشه در صحنه حاضر و در صف اول جهاد و مبارزه قرار داشته و برای تداعی و درمان دردها و رنجهای مردم خویش آماده هرگونه فداکاری و ایثار می باشید ، ما بوجود رهبری رهبر عزیز بزرگوار خویش جناب آقای مزاری می بالیم و می نازیم و افتخار می كنیم و تمام مسئولین حزب وحدت اسلامی افغانستان تاج سمرلت مامی باشد زیرا كه با بودن يك چنین انسان های فداكار مثل شماست كه حیات ظاهری و باطنی ملت ما ورق می خورد و خواهد خورد •

برادران مسئول در حزب وحدت اسلامی یقیناً " شما دست پرورده ، اسلام عزیز می باشید و دین اسلام گرامی هست كه شمارا بزرگ نموده و در اختیار ملت اسلامی برای هدایت جامعه ما قرار داده است ، هر انسانی كه اگر دست پرورده - اسلام عزیز این مكتب روح بخش باشد ، یقیناً " اوزارمان خاص كه خدای در نهاد وجود او نهاده برخوردار می باشد ، اومقاوم ، صبور ، ساجد ، مدبر متفكر و دارای بینش از موده میباشد كه در طول حیات در مقابل حوادث گوناگون و مشكلات كم رخ نمی كند ، اوبارنج ها و دردها و غم های مردم خویشش ما ، نوس و آشناست ، او پیوسته درباره مظلومیت ملت و مردم خویش می اندیشد و بالاخره او کسی هست كه دنیا با تمام زرق و برق ظاهری اش او را نه فریبد و برای رسیدن به مقام و ریاست به ملت خویش خیانت نمی كند ، آری اگر انسان های این چنین در جلسه قدم نهاده و وارد خدمت شود طبیعی است كه ملتی را رهبری خواهد نمود و با عمل و فداکاری های شباروزی خویش ملت خوابیده و بی درد را بیدار خواهد كرد و سپس برای رضای حق و حیات خویش در مقابل زور ، زور و تندوی خواهد ایستاد •

برادران گرامی ! شما با نیروی ایمان و همت والائی كه دارید و همرا با بنیایش های شبانه روزی در پیشگاه محبوب آن خدای واحد و توانا كه دست شمارا گرفته و می گیرد ، این هنر را با ما موخته اید كه زندگی یعنی مقاومت دلیری ، شجاعت و صبر و زندگی یعنی مبارزه و جهاد در حیات یعنی ایستادن در مقابل بیداد گران و لودر هر لباسی كه باشد ، شما با مدرس دادید كه ذلت و زبونگی

بقیه از : افغانستان ناشناخته

کیلومتر مربع بوده و نفوس آن ۵۵۷۵۳۱ نفر تخمین گردیده است ، مرکز آن شهر تالقان بوده که در حدود ۱۲۹۲۲۱ نفر نفوس دارد ، ولسوالی ها و مراکز اداری آن عبارت اند از : رستاق ، خواجه غا ، اشکمش ، بنگی ، چال ، چاه آب ، ینگلی قلعه دارقد ، فرخار ، ورسپچ و کلفکان .

تخار از جمله ولایات زراعتی و مال پروری افغانستان به حساب می آید ، ولایت حاصل خیز و سرسبز است .

۱۱- ولایت جوزجان : از جمله ولایات شمالی و ازبک - ترکمن نشین کشور بوده که مساحت آن ۲۶۲۲۶۳ کیلومتر مربع می باشد نفوس آن در حدود ۶۷۷۸۸۲ نفر تخمین گردیده است ، مرکز آن شهر شبرغان میباشد که در حدود ۱۱۱۲۶۸ نفر نفوس دارد ، مراکز اداری و ولسوالی آن عبارت اند از : سنگ چارک ، بلخاب سرپل ، کوهستانات ، آفچه ، مردیان ، فیض آباد خانقاه ، قرقین ، خمیاب و سنگجک .

به جز ولسوالی های سنگ چارک ، بلخاب و سرپل که اکثریت باشند شان از اقوام دیگر بخصوص شیعه هاست ، بقیه ولسوالی های این ولایت کلا " در اختیار ازبکها و ترکمنها میباشد جوزجان از جمله ولایات زرخیز افغانستان به حساب می آید وجود معادن و ذخایر نفت و گاز این ولایت را در لیست ولایات درجه اول کشور قرار داده است ، هر چند که مردم آن هنوز هم خیلی فقیرند و بیشتر شغل شان مالداری و دام پروری میباشد .

۱۲- ولایت زابل : نام آن انسان را به عظمت و شکوه زابلستان قدیم می اندازد دامانه ، زابل افغانستان ولایت متروک و بی نشانی است که فقط بخاطر اینکه در گذشته برای یکی از نورچشمی هایست ولایت نرسیده ، بزایش یک منطقه را بنام ولایت سپرده اند ، مساحت این ولایت ۱۷۰۹۸/۳ کیلومتر مربع است اما نفوس آن فقط ۱۸۶۱۱۲ نفر یعنی کمی زیاد تر از ولسوالی دای کندی ارزگان است ، مرکز آن شهرک قلات میباشد که نفوس آن بامبالغه و زیاد از حد نشان دادن به ۱۷۹۸۰ نفر می رسد ولسوالی های زابل عبارت اند از جلدک ، میزان ، شاه جوی ارغنداب ، دای چوپان ، شینکی ، اتغرو شملزائی ولایت زابل از جمله ولایات افغان نشین به حساب می آید و جز اینکه چند نفر به عنوان وکیل در ولسی جرگه داشته باشند ، دیگر نقشی نمیتواند بازی کند ، البته این موضوع را نیز نباید نادیده گرفت که زابل در مسیر جاده کابل قند هار در جنوب افغانستان قرار گرفته و نیام پلوان مرز مشترک با پاکستان هم دارد .

۱۳- ولایت سمنگان : از جمله ولایات شمالی افغانستان به حساب می آید که نیم وجب مرز مشترک با تاجکستان دارد ، مساحت این ولایت ۱۶۶۴۰ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در حدود ۳۱۲۵۲۴ نفر تخمین گردیده است ، مرکز آن شهر سمنگان یا ایبک میباشد که دارای ۹۰۵۸۵ نفر

بوده و سایر مراکز اداری و ولسوالی های این ولایت عبارت اند از : دره صوف ، خلم یا تاشقرغان کلدار ، حضرت سلطان و روی دواب . اهمیت سمنگان از نگاه ذخایر معدنی به ذغال سنگ دره صوف وابسته است و انگاه تورستی به آثار باستانی سمنگان و تاشقرغان ، شاید افسانه عاشق شدن تهمینه (دختر پادشاه سمنگان) به رستم را خوانندگان میدانند که چگونه از این وصلت سهراب نامی بدنیاه آمد که تراژدی ترین باب شاهنامه فردوسی رابه خود اختصاص داده و حالاتخت رستم یکی از آثار دیدنی این منطقه است .

۱۴- ولایت غزنی : از جمله ولایات مرکزی (هزاره جات) افغانستان به حساب می آید هر چند که مرکز آن همچون ارزگان در اختیار افغان ها و دیگر اقوام است ولی هزاره ها هم در غزنی حضور دارند در حالیکه ترین کوت این ویژه گی را ندارد مساحت این ولایت ۱۱۲۸۱/۳ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در حدود ۶۸۶۳۰۶ نفر تخمین گردیده است ، مرکز آن شهر غزنه یا غزنی است که در حدود ۱۹۹۷۷ نفر نفوس دارد ولی ولسوالی های هزاره نشین (شیعه نشین) آن از قبیل ناور - با ۲۱۳۸۲ نفر و غغوتبا ۴۰۸۶۰ نفر ، چاغوری با ۵۸۷۱۲۷ نفر قره باغ با ۴۱۵۹۲ شانس مرکز شدن نیافته اند .

ولسوالی ها و مراکز اداری این ولایت هزاره نشین قدرت در دست افغان عبارت اند از : ده ینگ ، خواجه عمری ، ناور ، جغتو ، چاغوری مالستان ، قره باغ ، مقرر ، کیلان ، آب بنسندر ، گیرو و ناوه .

در ولایت غزنی میتوان این ویژه گی را دریافت نمود که برای ۷ هزار نفر افغان در زمینه یک مرکز اداری وجود دارد و برای ۱۲۷ هزار شیعه چاغوری هم یک مرکز اداری معینی در انتخابات باید ۷ هزار افغان یک نماینده داشته باشند ۱۲۷ هزار نفر هزاره شیعه هم یک نماینده اینطور تقسیمات عادلانه شاید در آفریقایی جنوبی هم وجود نداشته باشد .

۱۵- ولایت غور : از جمله ولایات مرکزی (هزاره جات) افغانستان بوده که در لیست عقب مانده ترین ولایات قرار داده مساحت این ولایت کوهستانی ۴۸۷۵۷/۹ کیلومتر مربع بوده که نفوس آن در حدود ۳۱۸۳۰/۸ نفر تخمین شده است ، مرکز غور شهر چغچران است که در حدود ۲۹۸۵۴ نفر نفوس دارد و سایر ولسوالی ها و مراکز اداری آن عبارت اند از : شهرک ، ساغر تولک ، غور و تیوره ، لعل و سرچنگل و سپاسند . همانطوریکه اشاره شد مردم غور از جمله محرومترین مردم کشور به حساب می آیند و شغل بیشتر این مردم مالداری (دامپروری) است .

۱۶- ولایت فاریاب : از جمله ولایات شمالی افغانستان بوده که با خاک ترکمنستان هم رزاست مساحت این ولایت ۲۱۳۰۶/۳ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در حدود ۶۷۴۰۰۰ نفر تخمین گردیده است ، مرکز آن شهر میمنه بوده که در حدود ۳۰۳۰۶ نفر نفوس دارد ، ولسوالی ها و مراکز اداری این ولایت عبارت اند از : اندخوی خان چارباغ ، قرغان ، خرماقول ، پشتونکوت کوهستان ، المار ، بلچراغ ، شیرین ، تکاب ، قیصار در زاب دولت آباد .

ولایت فاریاب : از جمله ولایات ازبک نشین و ترکمن نشین بوده که فقط یک ولسوالی

آن در اختیار افغانها قرار دارد (پشتونکوت) و یکی از فاریابی های گفت : در افغانستان ما عجیب عدالتی وجود دارد وقتی در سال ۱۳۶۷ در پیشاور شورای مشورتی بوجود آمد تا دولت موقت مجاهدین را انتخاب کند از کل ولایت مافقسط یک نماینده انتخاب کردند که او هم از همان یک ولسوالی افغان نشین و افغان بوده با وجود این فاریاب آینده درخشانی پیش رو دارد چرا که در کنار کویت منطقه (ترکستان) واقع شده و احتمال می رود در آینده نزدیک معادن فاریاب هم سر از زیر خاک بلند کند (بشرط اینکه موشک ها بگذارد .

۱۷- ولایت فراه : این ولایت در غرب افغانستان هم مرز با خاک جمهوری اسلامی ایران واقع شده . مساحت آن ۵۹۱۲۶/۶ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در حدود ۳۷۷۰۰۰ نفر تخمین گردیده است . مرکز آن شهر فراه می باشد که در حدود ۲۵۳۶۸ نفر نفوس دارد ، سایر مراکز اداری و ولسوالی های این ولایت عبارت اند از : خاک سفید ، شیندند ، فارسی اناردره ، بکوا ، بالابلوک ، قلعه کوه ، گلستان ، پرچمن و لاش چوپن .

ولایت فراه با وجود مساحت زیاد و زمین برای کشت به اثر عدم توجه دولت های گذشته یکی از محرومترین مناطق کشور به حساب می آید اهمیت فراه در گذشته نزدیک فقط بخاطر فرودگاه شیندند بوده نه در چیز دیگر اما فراه فردا اگر توجه شود میتواند به انبار غله کشور تبدیل گردد .

۱۸- ولایت قندوز : از جمله ولایات زرخیز شمالی کشور بوده که با خاک تاجیکستان مرز مشترک دارد ، و شیرخان بندر در کنار دریای آمو بر اهمیت اقتصادی این ولایت افزوده است مساحت آن ۹۲۸۷۰ کیلومتر مربع بوده و نفوس آن در حدود ۵۷۶۵۷۴ نفر تخمین گردیده است مرکز ولایت قندوز شهر قندوز است که در حدود ۱۶۴۰۳۱ نفر نفوس دارد . مراکز اداری و ولسوالی های این ولایت عبارت اند از : علی آباد ، حضرت امام صاحب ، خان آباد دشت ارچی ، قلعه زال و چاردره .

ولایت قندوز ، سرزمین حاصل خیز و سرسبز است و به همین خاطر فابریکه روغن کشی در این ولایت احداث گردیده و پروژه های عمرانی در گذشته در حال اجرا بوده و در آینده هم قندوز میتواند پایه پای بلخ جوزجان و بغلان در مسیر صنعت و کشاورزی گام بردارد . **در هر در**

مباحثه آقای مجددی بابی بی سی ۱۲ ار ۱۹۹۵-م
بی بی سی : نظرتان در رابطه به تحولات اخیر افغانستان چیست ؟
ج : والله نظرم اینست که اگر میخواهند یک موقت موقتی یا موقتی تشکیل شود باید نظر ملت افغانستان گرفته شود .
بی بی سی : شما بزرگترین مشکل را در راه اجرای طرح سازمان ملل چه میدانید ؟
مابزرگترین مشکل را فقط موافقه آقای ربانی و مسعود میدانیم اگر ربانی و مسعود موافقه بکند همان طرح که است دیگر اشکال نیست و این نکته مهم که است اینست که امروز ما به برادران شیعه خود را فراموش کرده میتوانیم و از نظر انداخته نمی



داکتر علی رضوی غزنی

چاپ مجدد سراج التواریخ تکمیل شد

سراج التواریخ

جلد اول

تالیف

ملا فیض محمد کاتب هزاره

مؤسسه تحقیقات و نشریات بلخ

خوانندگان گرامی

مقاله ای را که در ذیل مطالعه میفرمائید در شماره های قبلی بچاپ رسیده ولی متأسفانه در موقع مونتاژ و مقابله با اصل اشتباهاتی بوجود آمده که ظاهراً مقاله و پیرگرافها را از هم بی ربط ساخته، بناً لازم دانستیم تا بار دیگر آنرا چاپ نمائیم، بدین مناسبت هم از شما و هم از استاد گرانقدر جناب آقای داکتر رضوی غزنوی نویسنده آن پوزش میخواستیم.

اداره طلوع وحدت

اهمیت و ارزش تاریخی سراج التواریخ تالیف ملا فیض محمد کاتب هزاره بر علاقمندان پوشیده نمانده است و هم خوانندگان ارجمند از این قضیه که چرا و چگونه این مفصل ترین تاریخ افغانستان، باری، به تعبیر مرحوم غبار "احراق شد" و بار دیگر در آتش "اغتشاش" سوخت و به عبارت فرهنگ فقید "در مخیض حکم توتیا و عنقار اپیدار کرده بود" اطلاخواهند داشت.

بنده در ضمن مقاله ای که در امیدانتشار یافت بانشر متن اعلان چاپ کتاب در عهد سراجیه که از پنج گونه تجلید و صحافی کتاب سخن داشت از کسانی که احیاناً نسخه ای از آن اثر نفیس را در اختیار داشته باشد خواهش کردم تا لطفاً اطلاع بدهند و چگونگی بدست آوردن آنرا هم توضیح فرمایند و شما هم هفته نامه امید را جایزه بگیرند، یگانه کسی که از داشتن دوره سه جلدی سراج التواریخ چاپ کابل طی نامه ای به امید خبر داد، محترم جناب داکتر اختر محمد مستمندی بوده مطابق آنچه در پشت جلد کتاب به خط و دستخط میر عبدالواحد تحریر یافته و از ملاحظه این جانب آقای کوشان ناشر نامه امید گزارش یافت، کتاب را آن مرحوم در "غره ربیع الثانی سنه ۱۳۳۴" از بازار ارگ — مبارکه از دوکان عبداللہ به مبلغ ده روپیسه کابلی" خریده است، میر عبدالواحد ولد میر عبدالاحد ولد میر مرتضی ولد میر احمد مشهور به میر واعظ کابلی است که از جمله روحانیون مشهور عصر شاه محمود شاه شجاع بود.

نسخه مورد بحث که در اختیار داکتر اختر مستمندی قرار دارد، مال برادرشان مرحوم داکتر شاهی بای مستمندی، دانشمند شهیر وطن بود

که خانم شان از خانواده میر واعظ موصوف است و داکتر ما آنرا برای استفاده در نگارش تاریخ طب در افغانستان به امانت گرفته بودند.

نسخه مورد گفتگو که به گونه چهارم از انواع صحافی و مجلد گیری یاد شده در اعلان مطابقت دارد، بخوبی نگهداری شده است آنچه تذکرش خالی از لطفی نیست و میتوانست درس و انتباهی برای علاقمندان به تاریخ وطن و میراث نیکان باشد، اینست که داکتر مستمندی که خود شخصیت بسیار پاک و محترم و دشمن دورویی و خیانت است و از دست نوکران روسیه به علالت سنگینی هم گرفتار شده است کتاب دو جلدی سراج التواریخ و نیز تاج التواریخ را در ضمن بعضی از آثار بهادار و احیاناً "جواهرات و چیزهایی قیمتی که نباید از لحاظ امنیتی در خانه نگهداشت، در بانک نگه میدارند. روزی ماکه در منزل شان به دیدار سراج التواریخ نایل آمدیم آنرا از بانک گرفته بودند و پس از ملاحظه آن دوباره آنرا به بانک در جزء چند مایملک گرانبها سپردند.

پس از نشر مجدد مجلد سوم سراج التواریخ که گزارش آن به قلم استاد گرامی جناب پوهاند میر حسین شاه با توضیحات و تبصره های عالمانه انتشار یافت، اینک با انبساط خاطر اعلام میدارد که جلد های اول و دوم آن کتاب مسطاب نیز به طبع رسیده و به بازار آمده است و بدین ترتیب

هوای مملکت افغانستان

هوای این مملکت به اتفاق همه مؤلفین کتب مذکوره، از سبب اختلاف در بلندی و پستی امکنه مختلفه است، چنانچه جانب شمال، مغربش از شدت سرما در زمستان به فریزینگ یعنی یخ بندگی می رسد و اغلب درجه مقیاس هوا در زمستان به بیست رسیده، گاهی بر سیل تدرت به دوازده درجه نیز می رسد که از اعتبار ساقط است. حرارت سمت مشرقی و جنوبی آن، در تابستان از یکصد و پنج (۱۰۵) درجه نگذشته، برودتش از پنجاه (۵۰) تا سی و پنج (۳۵) درجه رسیده، فروتر نشده و همچنین گرمای سمت شمالی و مغربی در تابستان، اغلب از شصت (۶۰) تا هفتاد (۷۰) درجه رسیده، فراتر نمی گردد، مگر نادراً در بعضی از سنوات تا به نود و نه (۹۹) درجه می رسد؛ لیکن قابل اعتماد و اعتبار نیست، بلکه از واقعات غریبه این مملکت شمرده، در هر زمان که وقوع یابد، در ضعیف سوانح آزمان — انشاء الله تعالی — مرقوم شده می آید.

مزایای چاپ جدید

همانسان که ناشر طبع جدید گفته است: چنانچه هشتاد سال قبل کابل عاری از اغلاط ملایی و چاپی نبوده فاقد علائم نگارشی، نقطه گذاری و پیارا گراف بندی می باشد، کاربرد تعبیر و مصطلحات مستعار از السنه تازی، اردو، ترکی و انگلیسی در متن، وجود اسامی کهن و معهور مواضع و بلدان و امصار و فزونی اصطلاحات نظامی نامانوس و غیر معمول در زمان حاضر توضیح و تشریح می طلبد خوشبختانه سه تن از افاضل هموطنی که نام های شریف شان ذکر شد از عهده کاربرد نشانه های نگارشی و شرح و ابیحاح تعبیرها و اصطلاحات معهور به خوبی برآمده اند، یکی از کارهای خوبی که کرده اند ترجمه آیات کریمه و تعیین محل ایه ها در قرآن مجید در حاشیه است که مرحوم ملا فیض محمد به مناسبتی در سراسر کتاب نقل کرده است.

حواشی مولف با حرف (ک) مخفف کاتب و توضیحات ناشر با حرف (ن) در پاورقی ها به طبع رسیده، چند مثال از پاورقی های کارناشر به رسم نمونه از این قرار است:

چهاراثنی: نوعی جامه جنگی که سابقاً به هنگام رزم آنرا می پوشیدند و آن دارای چهار قطعه آهن صیقل شده و اثنه مانند بوده که در پیش سینه و پشت و بالای زانو قرار میگرفته.

چاپ مجدد سراج التواریخ تکمیل شد، این دو جلد که در یک مجلد در افزون از ۵۳۰ صفحه (۲۷۵ × ۲۵۵) به نشر رسیده، سخن کوتاهی از ناشر به امضای سید محمد رضا عالی پیام و محمد ابراهیم شریعتی دارد که در طی آن آمده است:

استنساخ، تصحیح و طبع و یاسمه مجدد کتاب به همت و بیاری همکاران ارجمند حجت الاسلام سروردانش، استاد محمد مهدی مختار و داکتر عبدالحسین، محمد اسحق به انجام رسیده است در "مقدمه" ناشر به این نکته نیز اشارت رفته است که: این کتاب در شکل حاضر حاصل دسترنج جمعی است که از صرف وقت و بذل دقت و وسواس در بخت نورزیده خواسته ای جز حسندی و رضامندی شما خواننده گرامی ندارد.

به طبع رسیده بود بدون اندک تذکری حتی در یک سطر: از اشاره به این مطلب در اینجانب میتوان بی صرف نظر کرد که چاپ جدید از صحافت چشم نواز برخوردار است، خطاطی روی جلد نمودی از آن است که عنوان این مقال را زینت بخشیده است، قطع کتاب به اندازه مجلدات دوگانه جلد سوم "چاپ جدید" و هر صفحه دارای ۳۳ سطر است. "هوای مملکت رابه رسم نمونه عیناً" به اندازه اعل از نظر میگذرانیم تا نوع تنوع، طول سطرها و حجم کتاب را روشن تر نشان دهد:

مرض لقوه: بیماری کجی، دهان و روی فلج و رعشه یک طرف صورت که در نتیجه نیمه از صورت به یک سو برمی گردد و لبها به خوبی نمی رسد و پلک چشم طرف فالج صورت بخوبی بسته نمی شود و دهان نیز به یک طرف کج میگردد پای برنجن: حلقه های طلا و نقره که زنان به سج پای اندازند.

کله دار: پولی که بر آن عکس سریانیم تنه پادشاه منقوش است. نام دیگر روپییه، پول رایج پاکستان و هندوستان.

نعل بها: زری که به لشکر بیگانه دهند از جهت بازگشتن به دیار خود قابل یاد آور نیست که مجلدات اول و دوم سراج التواریخ از طرف حکومت موقت مجاهدین در پاکستان از روی چاپ کابل به شکل فوتوکاپی به کلانی اصل در یک جلد

"شرح مختصری از زندگی کاتب" در اول کتاب در هفده صفحه از تحصیلات ملا و اشتغال در دربار و آثار علمی از و نظر مورخان و نویسندگان درباره ملا و آثار قلمی وی و حیات سیاسی و بالاخره ماحرای شهادت کاتب گفتگو دارد که به قلم مجاهد پژوهشگر حسین علی یزدانی (حاج کاظم) نوشته شده است، نگارنده که در جهاد جرات بر داشته با سلاح قلم بمجاهدت پرداخته تاکنون

از: ه. ن. کراچی

استقامت و پایداری در رزم

(درسی از امام حسین)

در سال چهارم هجرت مصادف با سوم شعبان المعظم در خانه علی وفاطمه کودکی دیده به جهان گشود که آفتاب تاریخ بشریت را تا ابد فروزان ساخت و مدینه را غرق در نور نمود این کودک فرزانه دومین ثمره از دواج علی وفاطمه بود و جدش پیامبر اسلام او را حسین نامید و مدت هفت سال با جد گرامی و مادرش زیست کوه ناکهان جد و مادرش هر دو رداي شهادت پوشیدند پس از غروب شعاع نبوت از صحنه گیتی او هام جاهلیت و امتیازات و عصیبت های قبیلگی یکی پس از دیگری در میان قبایل عرب زنده میشد و از هرسو و کرانه جزیره فتنه هائی برخاست و امواج طوفانی آن بسوی مدینه شهر رسالت پیش میرفت گشتی اسلام دست خوش آن گردید این جنبش های ارتجاعی و عصیبت های قبیلگی در مدینه بصورت دسته بندی و اختلاف دربار خلافت درآمد و وقتیکه ثقیفه برقرار شد و در آن عده گفتند پرداختند و علی را که از زبان محمد عنوان اعلمکم و اتقیکم را داشت از صحنه سیاست دور نگه داشتند این زمان بود که دشمن فرصت را بدست آورد و بر پرچمداران نهضت اسلامی تاخت و امتیازات محو شده از نو زنده گشت و اشرافیت شکست خورده از نو قدرت یافت و آنانیکه دیروز شعار اعلی هبل میداد پرچمدار لاله الا لله گشته است و بر مسلمین فرمان روائی میکند و غرض اینها از خلافت اسلامی انتقام از کسانی است که اشرافیت معاویه ها و ابوسفیان ها را از بین برده و به خاک مذلت نشانده است باطلوع کردن نور اسلام اشرافیت و اقاوی سران متکبر و بخت پرست عرب ساقط گردید و اکثریت آنها در زباله دان تاریخ فرو غلطیدند ولی کرمهائی کثیفی که زائده آن منجلاب سیاه بودند و با طوفان انقلاب محمدی ص و تابش خورشید جهانتاب اسلام در سوراخهای متعفن خود خیزیدند بعد از چندی در سایه کرامت و لطف پیامبر گرانقدر با تغییری جزئی در شکل و قالب ظاهری دوباره پاگم کم به صحنه جامع گذاشتند و پایه های حکومتی خود هارام حکم کردند و تدریجا " بصورت طاغوت های خطرناک و همچو سلطان هائی در جان و دل مردم ریشه دوانده و تلافی همه شکست ها و محرومیت هارابر سر اسلام در آوردند آنها که بارها از سوی پیامبر مورد لعن و تکفیر قرار گرفته بود و عمری خون بردل پیامبر ریخته بود متولی اسلام شدند، آن روزی که فرمان حکومت شام برای معاویه نوشته شد بواقع روز جشن بنی امیه بود گویانکه زمامداری از نقطه ساده شروع میشد ولی واقعیت اینست که آن نقطه نمیتوانست پایگاهی برای آنان باشد بویژه از آن بابت که بامرکز خلافت فاصله داشت و نقشه هادوراز هرگونه دید ها و بینش های سیاسی خلفا نمیتوانست پیاده شود، بزرگترین آرمان او این بود که روح قومیت و ناسیونالیستی را در مردم مسلمان زنده کرده و آنها را بسوی جاهلیت

سوق دهند و حقیقت را در آذهان مردم مخدوش نماید او در همه جا قیافه حق بجانب داشت و برای تثبیت پایه های حکومت خود از راههای گوناگون و ترغیب های شیطنانی استفاده میکرد یکروز بر منبر اشک تمساح میریخت و خود را مظلوم نشان میداد و یکعده از دین فروشان را با مبلغ هنگفت پیدامیکرد که او را صاحبه راستین، کاتب وحی، خال الموءمنین خوانند و از طرف دیگر چون مورد لعن پیامبر است به مخترعان حدیث متوسل میشود تا حدیثی برای او بسازند که پیامبر در آن بفرماید: خدایا لعنت های مرا بر دیگران مایه طهارت شان قرار بده بر این اساس هر چه پیامبر معاویه را لعنت کرده او پاکتر شده است.

آری معاویه خودش معرف خودش است و چیزی که در چینه داشت بروز داده است او مثلت زشت و ناپاک و تشنه قدرت بود او خود در حفظ از حکومت خود به پادشاهی تعبیر میکرد و احادیث را می خرید و کار بجائی کشید که احادیث زیر جعل ساخته شد و کمپانی جعل حدیث تشکیل گردید.

معاویه به این اکتفا میکرد او در روزهای اخیر عمر خود وقتیکه سر بر استان مرگ نهاده بود مسلمین را گرفتار جوان ناپاک و بی تجربه نمود که اعمال ناشایسته اش در مدت زمامداری اش را میتوان کم نظیر و یا بی نظیر معرفی نمود. یزید برای اینکه راه چپاول را برای خود باز کند در اولین اقدام بنا را بر این گذاشت که سران مخالفین را وادار به بیعت نماید و هر که سرباز زند او را بکشد نامه به فرمان دار مدینه ولید نوشت و از او خواست که از حسین بیعت بگیرد ولید امام را به منزل دعوت کرد و مسئله را در میان گذاشت امام در جواب ولید چنین فرمود.

ایها الامیرانا اهل بیت النبوة و معادن الرسالة و مختلف الملائکة بنا - فتح الله و بنا ختم و یزید رجل شارب الخمر و قاتل النفس المحترمة معلن بالفسق و الفجور و مثلی لایبایع مثله.

ای فرماندار ما تبار نبوت و سرچشمه رسالتیم منزل و ما وای ما جای رفت و آمد فرشتگان است خداوند از ما آغاز کرده و به ما ختم میکند و یزید مردی است می خوار و خونخوار و تبه کار بی پرده و شخمی مانند من با چنین کسی بیعت نمیکند.

آری امام حسین وقتیکه این وضع رقت بار را مشاهده میکند و می بیند که آفتاب اسلام رو به زوال است و یزید فضا را تاریک تر کرده و سیاستش؟ ام به گام پدر برای رسیدن به قومیت و ناسیونالیستی عربی به اجرا گذاشته میشود احساس مسئولیت میکند و ندای و اسلاما اش بلند میشود و امروز که در جامعه اسلامی سکون مطلق و سکوت مطلق و فرمان روائی مطلق حاکم بود و نفس ها در سینه ها بند مانده بود صاعقه وار برکاخ پرزرق و برق ظالمان فرود آمده و نشان داد که خون بر شمشیر پیروز است حسین وارث تمام خوبان و سمبل همه خوبها است حسین خون خدا و نور حق - حسین مصباح هدایت و کشتی نجات که با نثار هستی خود در راه خدا زیباترین سرمشق و کاملترین خطر را در

سر لوحه تاریخ انسانی و در صفحه آسمان کمال به روشنی خورشید ترسیم نمود او هم چون شمع در آتش عشق خدا سوخت و با شعله که بر افروخت خورشید هدایت شد. حسین مبارزه خود را با ظلم و فساد علنی کرد و در جلسات کنفرانس های متعدد در مکه و در راه عراق انگیزه قیام خود را بیان میکرد چنانچه در خطبه خودش می فرماید:

انی لما خرج اشرأ و لایطرا و رمفسدا و لایظالما و انما خرجت لطلب لاصلاح فی امة جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی علی ابن ابیطالب فمن قبلنی بقبول الحق قال الله اولی بالحق و من رد علی هذا اصبر حتی یقضی الله بینی و بین القوم و هو خیر الحاکمین.

قیام من نه از روی جاه طلبی و خود خواهی است و نه از روی تبه کاری و ستم گری است بلکه برای خیر خواهی و اصلاح د رامت جدم پیامبر اسلام است من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده باشم و به روش وسیع جدم پیامبر و پدرم علی گام بردارم پس هر که مرا پذیرفت و از روی حق دعوت مراقبول کرد خداوند سزاوارتر است به حق و هر که مرا رد نمود صبر میکنم تا خدایین من و این قوم داوری کند و خداوند بهترین داوران است و در خطبه دیگر تمام پرده هارا پس میزند و راه خود را بی پرده و آشکار اعلام میدارد:

لا والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لافر فرار العبید.

نه بخدا سوگند دست ذلت را به شما هرگز نخواهم داد و مانند بردگان فرار نخواهم کرد - حسین با این سخن آموزنده شعار انقلاب خود را بیان کرد تا شاید مرده دلان بخود آیند و خفتگان بیدار شوند و وجدان های تخریر شده به احساس شعور باز گردند.

آری او و بایدل جان پرده ظلمت زارا با شمشیر از جلو دیدگان بخواب غفلت فرورفته پاره کرد و با این کار خود درس شجاعت، عزت همت والا، عزم استوار، مردانگی، سرافرازی شهامت، خروش و ایمان قوی را به همگان آموخت و با شهادت افتخار آفرینش مکتب محمد رازنده کرد که اگر این شهادت نبود نامی از صاحب رسالت نمی ماند و این است معنای سخن پیامبر اسلام که فرمود:

" حسین منی و انامن حسین "

حسین از من است و من از حسین انقلاب خونین سیدالشهداء تمام معادلات سیاسی دشمنان را برهم زد و اوضاع اجتماعی را در گون ساخت و زنگ بیدارباش را در جهان اسلام بصدا در آورده تبه کاری که یزید کرد بارنگد به پشت او گذاشت که از سنگینی اش دیگر نتوانست کمر راست کند و تیغی که یاران یزید برای گلوی حسین تیز کردند تیشه بود که در ریشه خودشان زده شد و با دست خود خود را رسوا کرد و در کوتاه سخن از لحظه شهادت سیدالشهدا ادامه دهنده گان این راه در هر فرصت مردم را از این واقعه آگاه میکردند و انقلاب های متعددی بعد از واقعه کربلا بوقوع پیوست که مجال ذکرشان نیست و از جمله میتوان قیام (توابین) و (مختار) را نام برد. ر. ص.



افغانستان ناشناخته

از: بصیر احمد دولت آبادی

قسمت دوم

۱- ولایت ارزگان: این ولایت (یکی از ولایات شیعه نشین بوده که در مرکز کشور "هزاره جات" افغانستان واقع شده و (درباره نفوس و مساحت آن حتی در شناسنامه افغانستان هم اختلاف است. لهذا ما آمار نفوس و مساحت ولایات را از چند صفحات ۱۲۷ الی ۱۶۲ - انتخاب نمودیم، دارای ۲۸۹۹۲۹/۳ کیلومتر مربع مساحت بوده که در آن ۵۰۱۷۹۶ - نفر زندگی می کند مرکز این ولایت شهر ترین کوت بوده که ۴۹۰۱۱ نفر نفوس دارد، ولی ولسوالی های هزاره نشین (شیعه نشین) آن هرکدام چند برابر مرکز ولایت نفوس دارند، بطور مثال ولسوالی (فرمانداری) دایکندی طبق آمار رسمی دولت ۱۲۷۶۶۱ - نفر داشته، درحالیکه خود ساکنان آن ولسوالی مدعی اند که نفوس شان بالای ۱۵۰۰۰۰ نفر می رسد. ایمن موضوع نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد که از حوصله بحث ما خارج است و اما ولسوالی های ولایت ارزگان عبارت اند از: ارزگان خاص، دهرآود، دایکندی، شهرستان، چشوره اجرستان، گیزاب و کجران.

ارزگان از جمله ولایات محروم و فقیر نشین افغانستان به حساب می آید و علت این عقب افتادگی و فقر را ما در بخش تبعیضات روشن خواهیم ساخت، و به این مطلب باید اشاره نمود که ارزگان سمبل و علامت هزاره و شیعه افغانستان محسوب می گردد.

۲- ولایت بادغیس:

این ولایت در نواحی جنوب غربی افغانستان هم مرز با کشور ترکمنستان واقع شده که دارای ۳۱۷۵۲۷ - نفر نفوس بوده و مساحت آن ۲۱۶۲۷۸ - کیلومتر مربع تخمین گردیده است مرکز بادغیس شهر قلعه نو می باشد که ۸۸۰۳۲۲ - نفر نفوس دارد. ولسوالی های آن عبارت اند از: کشک کهنه، مرغاب، غورماج، قادیس و چونند.

بادغیس همچون ارزگان یکی از محروم ترین ولایات افغانستان به حساب می آید زیرا دولت های گذشته هیچ توجهی به این ناحیه نکرده اند.

۳- ولایت بامیان: از جمله ولایات مرکزی (هزاره جات) و شیعه نشین افغانستان بوده که دارای ۳۱۷۵۲۷ - نفر نفوس و ۱۷۵۲۶۴ - کیلومتر مربع مساحت می باشد. مرکز آن شهر بامیان بوده که نفوس آن به ۶۱۸۶۳ - نفر می رسد. ولسوالی های بامیان عبارت اند از: شیبیر، کهمرد، سیغان، یکولنگ، پنجاب و ورس. بامیان در قطار ولایات محروم کشور به حساب می رود، و با وجود آثار باستانی و منطقه توریستی بازم دولت های گذشته توجهی به این ولایت نداشته اند چرا که مردم آن شیعه و هزاره می باشند.

۴- ولایت بدخشان: این ولایت در شمال شرق افغانستان هم مرز با تاجیکستان

و چین واقع شده: دارای ۴۰۸۸۶ - کیلومتر مربع مساحت بوده و نفوس آن ۵۵۲۳۷۴ - نفر تخمین گردیده است. مرکز آن شهر فیض آباد بوده که دارای ۱۵۵۰۷۰ - نفر نفوس می باشد ولسوالی های بدخشان عبارت اند از: داغ شهر بزرگ، درواز، خواهان، جرم، بهسارک، کران و منحان، اشکاشم، زیبک، شغنان، کشم و واخان.

بدخشان با وجود معادن طلا، لاجورد و خیلی از معادن بزرگ دیگر، یکی از ولایات محروم و عقب افتاده به حساب می آید.

۵- ولایت بغلان: از جمله ولایات شمالی افغانستان بوده که دارای ۱۷۱۶۵ - کیلومتر مربع مساحت و ۲۷۹۰۲۸۰ - نفر نفوس می باشد. مرکز آن شهر بغلان بوده که دارای ۱۰۴۰۳۹ - نفر نفوس است. ولسوالی های بغلان عبارت اند از: پل خمی، دهنه غوری دارند، مادر بخش های دیگر پیده از این رازند، دوشی، تاله و برفک، خنجان، نهرین، برکه برداشت و نشان خواهیم داد که چه ترند هائی اندراب و خوست و فرنگ.

بغلان از جمله ولایات زراعتی- صنعتی افغانستان به حساب می آید و روز بروز شرقی افغانستان در کنار پکتیکا هرز با پاکستان واقع شده و دارای ۹۷۷۶ کیلومتر مربع مساحت

۶- ولایت بلخ: از جمله ولایات شمالی بوده که نفوس آن ۸۱۲۳۵۲۳ - نفر تخمین گردیده است. مرکز آن شهر گردیزی بوده که ۲۳۹۶۳۹ - نفر مربع مساحت بوده و نفوس آن ۶۲۹۲۲۳ - نفر است. ولایات این ولایت تخمین گردیده است. مرکز آن شهر مزار شریف مندو زایی، دول ساروتی، تربزایی، علی شیر، دره می باشد که دارای ۱۱۶۷۲۵ - نفر نفوس است. ولایات بلخ عبارت اند از: بلخ، نهرشاهی قلندر، جاجی، علی خیل، حسین خیل، احمد خیل، دهدادی، چارکنت، دولت آباد، شولگره، کشنده جانی خیل، جدران، شارک، برکی، سیدکرم شورتیه، چمتال و چهار بولک.

بلخ از جمله ولایات زراعتی، صنعتی، مالداری و حتی فرهنگی- علمی افغانستان به حساب می آید، وجود مراکز علمی و کارخانه های صنعتی این ولایت را در برابر کابل قرار داده است، و امروزه مرکز جنبش ملی اسلامی قرار گرفته است. پانصد هزار نفر فقط ۹ مرکز اداری وجود دارد به این معنی که از ارزگان در مجلس شورا ۹ نفر حقیق شرکت دارند که فقط سه نفر شان هزاره خداور کابل واقع شده، دارای ۱۹۵۹۹ - کیلومتر مربع مساحت بوده و نفوس آن در حدود ۵۳۰۶۷۹ - نفر تخمین گردیده است، مرکز آن شهر چاریکار است که دارای ۱۶۱۳۱۳ - نفر نفوس می باشد ولسوالی های پروان عبارت اند از: غوربند، شنواری، بگرام، کوه سافلی، جبل السراج، سالنگ، سرخ پارسا و شیخ علی.

۷- ولایت پروان: این ولایت در شمال کابل واقع شده، دارای ۱۹۵۹۹ - کیلومتر مربع مساحت بوده و نفوس آن در حدود ۵۳۰۶۷۹ - نفر تخمین گردیده است، مرکز آن شهر چاریکار است که دارای ۱۶۱۳۱۳ - نفر نفوس می باشد ولسوالی های پروان عبارت اند از: غوربند، شنواری، بگرام، کوه سافلی، جبل السراج، سالنگ، سرخ پارسا و شیخ علی.

پروان از جمله ولایات صنعتی بحساب می آید چرا که مساحت کم و عدم زمین زراعتی مردم این ولایت را وادار ساخته است که زمینه کار و امرار معاش غیر از کشاورزی و مالداری برای خود پیدا نمایند، اینجاست که مردم این ولایت اکثراً "کاسب"، تجارت و صنعت کارند و خیلی کم به کار کشاورزی می پیروند.

۸- ولایت پکتیکا: این ولایت در جنوب افغانستان واقع شده، دارای ۱۹۴۰۹۳ - کیلومتر مربع مساحت بوده و نفوس آن در حدود ۸۵۵۰۲۵ - نفر تخمین گردیده است، مرکز این ولایت شهرک شرن است که فقط ۱۸۲۳۰ - نفر نفوس دارد، ولسوالی های آن عبارت اند از: کتواز، زرغون شهر، یحیی خیل، جانی خیل، دیلا، اوخته، یوسف خیل، وازیخواه و وورمی

ارگون، یلکه، مرهوزا، پارمل، زیلوک، کومل سربویی و مناخیل.

پکتیکا از جمله ولایات افغان نشین بوده به همدان جهت تعداد مراکز اداری آن زیاد است در افغانستان قبلاً "دومجلس وجود داشت یکی مجلس سنا (مشرانوحرکه) که رهرو ولایت یکنفر در آن راه می یافت و دیگری عوام با ولسی جرگه که از رهرو ولسوالی (فرمانداری) یسک نماینده در آن شرکت می نمود که در حقیقت این مجلس در اختیار افغانها بود، بطور مثال در همین ولایت پکتیکا افغانها برای ۲۵۰۸۵۵ - نفر ۱۷ نماینده داشتند، در حالیکه هزاره ها در ولایت ارزگان در ولسوالی دای کندی برای ۱۲۷۰۰۰ نفر یک نماینده اینجاب بود و هست که مردم دنیا تصور می کنند، افغانها (پشنون)

در افغانستان اکثریت اند، چون اکثر نمایندگان های وزارت و مقامات دولتی را در اختیار بغلان عبارت اند از: پل خمی، دهنه غوری دارند، مادر بخش های دیگر پیده از این رازند، دوشی، تاله و برفک، خنجان، نهرین، برکه برداشت و نشان خواهیم داد که چه ترند هائی اندراب و خوست و فرنگ.

۹- ولایت پکتیا: این ولایت در جنوب افغانستان در کنار پکتیکا هرز با پاکستان واقع شده و دارای ۹۷۷۶ کیلومتر مربع مساحت ۵۲۳۸۱۲۳ - نفر تخمین گردیده است. مرکز آن شهر گردیزی بوده که ۲۳۹۶۳۹ - نفر مربع مساحت بوده و نفوس آن ۶۲۹۲۲۳ - نفر است. ولایات این ولایت تخمین گردیده است. مرکز آن شهر مزار شریف مندو زایی، دول ساروتی، تربزایی، علی شیر، دره می باشد که دارای ۱۱۶۷۲۵ - نفر نفوس است. ولایات بلخ عبارت اند از: بلخ، نهرشاهی قلندر، جاجی، علی خیل، حسین خیل، احمد خیل، دهدادی، چارکنت، دولت آباد، شولگره، کشنده جانی خیل، جدران، شارک، برکی، سیدکرم شورتیه، چمتال و چهار بولک.

بلخ از جمله ولایات زراعتی، صنعتی، مالداری و حتی فرهنگی- علمی افغانستان به حساب می آید، وجود مراکز علمی و کارخانه های صنعتی این ولایت را در برابر کابل قرار داده است، و امروزه مرکز جنبش ملی اسلامی قرار گرفته است. پانصد هزار نفر فقط ۹ مرکز اداری وجود دارد به این معنی که از ارزگان در مجلس شورا ۹ نفر حقیق شرکت دارند که فقط سه نفر شان هزاره خداور کابل واقع شده، دارای ۱۹۵۹۹ - کیلومتر مربع مساحت بوده و نفوس آن در حدود ۵۳۰۶۷۹ - نفر تخمین گردیده است، مرکز آن شهر چاریکار است که دارای ۱۶۱۳۱۳ - نفر نفوس می باشد ولسوالی های پروان عبارت اند از: غوربند، شنواری، بگرام، کوه سافلی، جبل السراج، سالنگ، سرخ پارسا و شیخ علی.

۱۰- ولایت تخار: از جمله ولایات شمالی افغانستان می باشد که با خاک تاجیکستان مرز مشترک دارد، مساحت این ولایت ۱۲۰۰۰ - کیلومتر مربع است. مرکز آن شهر تخار است که ۱۲۰۰۰ نفر نفوس دارد، ولسوالی های آن عبارت اند از: کتواز، زرغون شهر، یحیی خیل، جانی خیل، دیلا، اوخته، یوسف خیل، وازیخواه و وورمی

۱۱- ولایت تخار: از جمله ولایات شمالی افغانستان می باشد که با خاک تاجیکستان مرز مشترک دارد، مساحت این ولایت ۱۲۰۰۰ - کیلومتر مربع است. مرکز آن شهر تخار است که ۱۲۰۰۰ نفر نفوس دارد، ولسوالی های آن عبارت اند از: کتواز، زرغون شهر، یحیی خیل، جانی خیل، دیلا، اوخته، یوسف خیل، وازیخواه و وورمی

(غمهای بزرگ)

در التهاب فتح سنگرهای کوچک
بر جان ما افتاده خنجرهای کوچک
آزرده شد گوش زمین و آسمانها
از قیل و قال این دلاورهای کوچک
یکبار دیگر باز ترکید و نکنجید
رو یای بیش از حد در این سرهای کوچک
در آرزوی فتح مشت خاک دیر روز
خونابه پاکر دند قیصر های کوچک
امروز هم بادشنه نامردی از پشت
مارازند این نابرا درهای کوچک
باید بترسیدای گروه از اینکه روزی
باهم بپاخیزند لشکرهای کوچک
آن وقت در توفان بنیانکن شمارا
کی میتواند حفظ سنگرهای کوچک
" سیده محمد ضیا قاسمی "

(سکوت نیها)

بر سکوت ایستاده نیها
خنجره خنجره گریستن
کار همیشه من است
آنک
که تیغ و تفنگ و تبر
در هیاهوی آتش
شعله می کشند
و فریاد
در نیام می آسوبند

آه ، داود من !

جنگل پر از لخته خون صداسانت
وقتیکه چکاوک هارا سر بریدند
پنجره را می کشایم
داد بزن
آسمان خالیست .

" محمود جعفری "

شعر معاصر افغانستان



(آتش نشین)

مگر فصل شکوفایی نشسته در کمین من
که اینسان لب گشوده زخمهای آتشین من
از این پس وسعت این آسمان جز بزرگشکی نیست
به پیش جنگل بارآور سبز یقین من
دگر از وحشت توفان میج ای باغ زیبای من
خزان را می خور دگل های سرخ سرزمین من
بله کولاک آتش مزده فصل شکوفایی است
تورا ای قوغ ناغ x ای قفنس آتش نشین من
درین بی بخت سالیها ، به یاری تو ای باز و
غلف هر زمین را می کند دست وجین من
چه سخت است این شتاب بیخیالی در هجوم باد
خدارا اگر نیت قدمیوه ای در آستین من
ولی باغ شکوفایی گرفتار خزان سالی است
" بنال ای دمبره بیچاره xx " ام ای همنشین من
(سید نادراحمی)

x قوغ ناغ در اصطلاح مردم هزاره ، به افراد
بسیار نترس و بی باک و دلاور گفته میشود .
xx قسمتی از یک دوبیتی محلی هزاره است
(دمبره بیچاره اسم الی موسیقی مخصوص
هزاره جات است شبیه دوتار)

ورزش و جوانان

- ۸- محمد حسین ولد غلام سخی زر زر زردکیو
- ۹- علی خان ولد محمد برای کمر بند زرد کیو
- ۱۰- علی رغانولد سرور برای زر زر زر
- ۱۱- محمد حسن ولد حاجی غلام رسول برای کمر بند
کیو



- ۱۲- محمد علی ولد محمد یوسف برای کمر بند زرد
کیو
 - ۱۳- قربان علی ولد حسین علی زر زر زردکیو
 - ۱۴- شجاعت علی ولد عبدل علی برای کمر بند
زرد کیو
 - ۱۵- عزیز ولد خادم علی برای کمر بند زردکیو
- ضمنا " اکادمی امید جوانان کاراته شوتوگان هنر جو
می پذیرد علاقه مندان میتوانند به ادی : بروری
علی آبا دتندور حاجی لجمان اکیدمی امید جوانان
کاراته شوتوگان تشریف بیاورند .

در تاریخ ۲۹ ر ۱۳۷۲ یک دوره از مومن
به همت استاد سرور رحیمی نماینده تربیت بدنی
حزب وحدت در اکیدمی امید جوانان واقع در
بروری با حضور استادان صفدر محمد زاده کمر بند
دان ۲ و علی اکبر ظفری ، آصف احمدی ، رضا
مظفری ، سید کاظم موسوی و صمد علیزاده کمر بند
سیاه دان یک برگزار شد .
و در پایان از مومن استاد سرور رحیمی برای
تمام ورزشکاران آرزوی موفقیت و پیروزی نمود
و فرمودند که ما امیدواریم که والدین محترم -
جوانان و نوجوانان عزیز را به ورزش و کارهای نیک
راهنمایی کنند تا از بیپهوده مصرف شدن عمر
و وقت جوانان و نوجوانان عزیزمان جلوگیری
شود .

اسامی قبول شدگان در آزمون عبارت اند

از :

- ۱- سید نعمت ولد سید شاه رجب برای کمر بند
سبز کیو ۶
- ۲- اسماعیل ولد سرور برای کمر بند سبز کیو ۶
- ۳- مصطفی ولد محمد امیر برای کمر بند نارنجی
کیو ۶
- ۴- علی اصغر ولد سرور برای کمر بند نارنجی کیو ۷
- ۵- حاجی محمد علی ولد علی برای زر زر زردکیو
- ۶- اتفاق علی ولد علی اکبر برای کمر بند زردکیو
- ۷- میرزا حسین ولد غلام سخی برای کمر بند زرد
کیو

(تو باما شبیهی)

و آنان خیانت به تقویم کردند
گلی را بودند و تقسیم کردند
سراغاز فصل شکوفایی ات بود
واز این شکوفایی ات بیم کردند
فقط داشتی چو بدستی و حتی
همان را برای تو تحریم کردند
زمانی که دست و دلت زخم برداشت ،
نمک بود چیزی که تقدیم کردند
تو باما شبیهی ، همانند سیب
که آن را درست از وسط نیم کردند
مسلمانی ات هست ، با این که با تیغ
صلیبی به قلب تو ترسیم کردند
و با این عمل ، چوبه دار خود را
به دست خود امروز ، ترمیم کردند .
" سید محمد ضیا قاسمی "

مصلوب نگاه

خود را به خلوص بسته ات می کردم
مصلوب نگاه خسته ات می کردم
ای کاش خدا هزار دل می دادم
تا وقف دل شکسته ات می کردم
(سید محمد ضیا قاسمی)

بسم الله الرحمن الرحیم

توانیم ونه برادران جنبش سمت شمال را اینها
هم یک حقیقت است ، یک واقعیت است و آنها
هم یک حقیقت است و واقعیت دارد ، اینها جز
ملت افغانستان است و حقوق دارند و باید حقوق
آنها را تعیین شده ، حقوق آنها در نظر گرفته شود
اگر از این چشم ببوشند و حرف نظر کنند مسئله
افغانستان هیچ وقت حل شده نمیتواند دیگر به
خود را اینها به این موافقه برسند که جنبش را هم
برسمیت بشناسند و بحیثیت یک تنظیم قبول
کنند و برادران شیم را هم در نظر بگیرند آنوقت
مسئله حل میشود .

تبریکنامه

ضمن عرض سلام بخنجر استاد سرور رحیمی بخاطر
انتصاب بخاوشایسته ایشان بنمایندگی تربیت
بدنی حزب وحدت اسلامی واقع در کویته را تبریک
میگویم و ضمنا " کسب مشکي دان ۲ توسط استاد
صفدر محمد زاده و کسب مشکي دان یک توسط
استادان جوان آصف احمدی ، رضامظفری ، سید کاظم
موسوی و صمد علیزاده را نیز بحضور این اساتید
جوان تبریک گفته و برای همه ایشان آرزوی موفقیت
و پیروزی را در تمام مراحل کاری و زندگی را داریم .

اکادمی امید جوانان

پهمن سلسله تعداد زیادی از دوستان و آشنایان
اقای استاد سرور رحیمی هر کدام طی نامه های
جداگانه انتصاب ویرا بنمایندگی تربیت بدنی
حزب وحدت اسلامی در کویته ، و موفقیت های
ویرا تبریک گفته اند که در یکی از نامه ها آمده است

طلوع وحدت

جریده : سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، خبری
صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی افغانستان
مدیر مسئول : م ، ط حاج نظری
آدرس پستی : کویته پاکستان پست باکس ۱۲۲
فکس نمبر ۷۲۲۷۹